

سیاست خطوط لوله در آسیای مرکزی: منافع و انتخاب‌های ایران

قدرت‌الله بهبودی‌نژاد^۱

چکیده

امنیت انرژی یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی کشورهای بزرگ است. در این میان، منابع انرژی آسیای میانه و دریای خزر که حوزه‌های ژئوپلیتیک مهمی محسوب می‌شوند، جذابیت زیادی برای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارند و به دلیل فرصت‌های عظیمی که برای انرژی در خارج از اوپک ارائه می‌دهند به‌عنوان صفحه بزرگ شطرنج ظاهر شده‌اند. در تلاش برای امنیت انرژی و تنوع منابع تأمین توسط مصرف‌کنندگان انرژی، این منطقه شاهد رقابتی بزرگ برای دستیابی به منابع انرژی آن توسط کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، روسیه، ایران و هند است. این بازی بزرگ نوین، در مورد سیاست‌های نفتی و دیپلماسی خط لوله در حال انجام است. پژوهش پیش‌رو در پاسخ به این پرسش‌ها که طرح‌های قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی و خزر چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران دارد و راهکارهای سیاستی ایران برای مقابله با آن‌ها چیست؟ نویسنده سعی دارد در این پژوهش موقعیت ایران در آسیای مرکزی و ابتکارات سیاسی آن را در جست‌وجو برای منافع خود در بخش‌های اقتصاد و انرژی در حوزه سستی روسیه و صفحه بزرگ رقابت شطرنج چین و ایالات متحده بررسی کند. گزینه‌های سیاستی ایران در این رقابت، تلاش در راستای خروج از تحریم‌ها، اتخاذ دیپلماسی اقتصادی، تقویت زیرساخت‌های داخلی به‌منظور فعالیت‌های اقتصادی در منطقه و مشارکت در طرح‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در منطقه، سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی با کشورهای منطقه به‌صورت دو یا چندجانبه است.

واژگان کلیدی:

ژئوپلیتیک انرژی، دیپلماسی خط لوله، ایران، آسیای مرکزی، راهکارهای سیاستی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

^۱ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، هندوستان Mohsenjnu@gmail.com

مقدمه

ریچارد اسمالی^۱ (۲۰۰۵) برنده جایزه نوبل، ده حوزه بحران‌زای جهانی را انرژی، آب، غذا، محیط‌زیست، فقر، تروریسم و جنگ، بیماری، آموزش، دموکراسی و جمعیت دانسته و از بین آن‌ها بیشترین اولویت را به انرژی داده است؛ زیرا نه تنها به این دلیل که انرژی فراوان، در دسترس، مقرون به صرفه، پاک، کارآمد و ایمن می‌تواند حلال سایر مشکلات باشد بلکه همچنین به این دلیل که برای بازیابی و تصفیه آب، پرورش غذا و مدیریت محیط‌زیست نیز مورد نیاز است. همچنین می‌توان از انرژی برای جلوگیری از فقر، بیماری، گسترش آموزش و ارتباطات استفاده کرد. با تأمین این نیازهای اساسی است که می‌توان علت اصلی تروریسم و جنگ را کنترل کرد، دموکراسی را گسترش داد و جمعیت را تثبیت نمود؛ بنابراین، انرژی یک موضوع تعیین‌کننده عمومی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که اهمیت زیادی دارد و برای دستیابی به یک سیستم جهانی پایدار و جریان مداوم انرژی، لازم است که این نظم حفظ شود (Masters, 2018). مطالعه تاریخ نیز نشان‌دهنده استفاده از انرژی در پیشرفت جامعه و تمدن بشری است. در واقع انرژی برای توسعه اقتصادی ضروری است و اقتصادهای جهان برای رشد جمعیت‌های انسانی و نظام‌های اقتصادی به منابع ارزان و فراوان انرژی متکی هستند. هر کشوری تلاش می‌کند تا از طریق تأمین انرژی از منابع داخلی و خارجی، امنیت داشته باشد (Kumar, 2020: 22).

در برآورده کردن نیاز اقتصادهای بزرگ جهان مانند چین، ایالات متحده، روسیه و هند به انرژی، منابع انرژی آسیای مرکزی، از جمله منطقه دریای خزر، بدون شک نقش مهمی در استراتژی امنیت انرژی این کشورها بازی خواهند کرد؛ بنابراین، این پژوهش به مسئله پیچیده‌ای از ژئوپلیتیک کنونی می‌پردازد که به طور گسترده به عنوان بازی بزرگ نوین در قلب آسیای مرکزی در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای منافع استراتژیک در این منطقه انجام می‌شود که کارشناسان از آن به رقابت «سیاست‌های نفتی و دیپلماسی خط لوله» تعبیر می‌کنند. این پژوهش در پاسخ به این پرسش که طرح‌های قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی و خزر چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران دارد و راهکارهای ایران برای مقابله با آن‌ها چیست؟ و در راستای اهمیت و ضرورت این پژوهش بیان می‌کند که گسترش حضور این قدرت‌ها در منطقه ضمن تشدید رقابت می‌تواند از حیث ترانزیت انرژی، حمل‌ونقل کالا و برنامه‌های اقتصادی به رقیبی جدی برای ایران تبدیل شود و منافع ملی

^۱. Richard Smalley

ایران را با چالش اساسی روبه‌رو سازد. پژوهش حاضر با روش تبیینی-تحلیلی درصدد مطالعه طرح‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی از منظر فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران و ارائه مدل مطلوب راهکارهای مقابله‌ای بر اساس مطالعه کیفی است تجزیه و تحلیل پژوهش پیش‌رو بر سه جهت متمرکز است: اول، بر بعد استراتژیک و سیاسی منابع انرژی آسیای میانه؛ دوم، دیپلماسی خط لوله و استراتژی‌های امنیت انرژی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در آسیای مرکزی؛ سوم، بررسی موقعیت ایران در جست‌وجوی منافع خود در صفحه بزرگ شطرنج چین، ایالات متحده و روسیه در آسیای میانه.

۱. چارچوب نظری

ژئوپلیتیک، یک واژه و مجموعه‌ای از ایده‌های مرتبط با آن است و دو رشته جغرافیا و سیاست را در بر می‌گیرد. ژئوپلیتیک که در ابتدا به‌عنوان رابطه علی قطعی بین جغرافیا و روابط بین‌الملل تلقی می‌شد، با گذشت زمان شروع به نشان‌دادن تأثیر جغرافیا بر قدرت تصمیم‌گیری دولت در روابط بین‌الملل کرد. به‌طور کلی، بر اساس پیش‌فرض قدرت و فضا، ژئوپلیتیک بر اهمیت استراتژیک منابع طبیعی، مکان آن‌ها و مسیرهای عرضه تأکید می‌کند. معنای سنتی واژه ژئوپلیتیک این است که «رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر دسترسی به مکان‌های استراتژیک و منابع طبیعی»، ارتباط خوبی بین منافع ملی، سیاست قدرت، تفکر استراتژیک و تصمیم‌گیری با فضای جغرافیایی برقرار می‌کند (Vakulchuk et al., 2020: 122). توانایی یک ملت برای فرماندهی، به‌ویژه از طریق کنترل آن بر منابع اولیه انرژی مانند نفت، نه تنها توسعه اقتصادی بلکه امنیت و قدرت نظامی آن را نیز شکل می‌دهد. به این ترتیب، روابط بین‌المللی کشورها عمیقاً تحت تأثیر توزیع منابع انرژی، کنترل و مدیریت منابع تأمین آن‌ها و شبکه‌های خط لوله با توجه به توزیع کمیاب زمین‌شناسی منابع انرژی است. به همین دلیل است که ژئوپلیتیک انرژی در دوران مدرن جدید مانند ژئوپلیتیک دیپلماتیک، ژئوپلیتیک نظامی و ژئوپلیتیک اقتصادی، به‌عنوان یک بعد بسیار گسترده‌تر و مهم ژئوپلیتیک تکامل یافته است.

انرژی مدت‌هاست که ژئوپلیتیک جهانی را به‌عنوان محرک رشد، ابزاری برای تغییرات اجتماعی، پیشران اقتصاد جهانی و کلید امنیت و ثبات ملی و جهانی شکل داده است. تاریخ گواه می‌دهد که هر مرحله از تمدن بشری و موفقیت هر نظم بین‌المللی مبتنی بر منابع انرژی بوده است؛ به‌عنوان مثال زغال‌سنگ و بخار در پس‌زمینه رشد امپراتوری بریتانیا قرار

داشتند و نفت در مرکز ظهور آمریکایی‌ها به صدر سیاست جهانی نقش عمده‌ای داشته است. نفت به ایالات متحده و روسیه امکان داده است که مزایای ژئوپلیتیک و اقتصادی گسترده‌ای به دست آورند، همچنین دسترسی به سایر منابع انرژی به کشورهای اروپایی اجازه داد تا به صنعتی شدن دست یابند. امروزه بسیاری انتظار دارند که راه صعود چین به برتری جهانی تا حد زیادی در راستای تلاش این کشور در حوزه انرژی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تعیین شود و صعود هند به جدول بالای جهانی نیز بستگی به تأمین امنیت منابع انرژی و منابع تأمین آن بستگی خواهد داشت. سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده در مطالعه خود نشان داده است که در مقایسه با شصت سال پیش، سیاره امروز، ۶۱۸ برابر بیشتر نفت، ۱۰۰۰ برابر بیشتر گاز، ۷۵۶ برابر بیشتر نیکل و ۱۵۰۰ برابر بیشتر بوکسیت مصرف می‌کند (Klare, 2018: 225). به گفته پروفسور موهان، یک نقشه جهانی انرژی جدید زیر تسلط بازار رو به رشد مصرف انرژی در آسیا در حال تکامل است. رابرت کاپلان نوشته است: «آسیا به نقطه صفر رشد تبدیل شده است تا جایی که ۸۵ درصد رشد مصرف انرژی در ۲۰ سال آینده در منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام خواهد بود که توسط چین، هند، ژاپن و کره جنوبی مصرف می‌شود» (Kaplan, 2018).

اگرچه راز رونق قرن بیستم به نفت و انرژی ارزان نسبت داده می‌شود؛ اما با ورود به قرن بیست و یکم، این منابع انرژی همچنان عامل تعیین‌کننده موفقیت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته هستند. در حقیقت، در چهل سال گذشته تقاضای جهان برای انرژی ۹۵ درصد افزایش یافته است و پیش‌بینی می‌شود در آینده به دلیل افزایش تقاضا از سوی کشورهای در حال توسعه مانند هند و چین، ۹۰ درصد رشد کند (Ibid). طبق گزارش چشم‌انداز انرژی جهان^۱، چین تا سال ۲۰۲۵، ۴۰ درصد از مصرف رو به رشد را به خود اختصاص خواهد داد، در حالی که هند با افزایش ۱۳۲ درصدی به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع تقاضای انرژی جهان ظاهر خواهد شد. از آنجایی که در دسترس بودن هیدروکربن‌ها توسط زمین‌شناسی تعیین می‌شود و مصرف‌کنندگان کلیدی انرژی جهان، تولیدکنندگان اصلی نیستند، سیاست جهانی انرژی عمدتاً توسط «قوس انرژی^۲» شکل می‌گیرد که از منطقه خلیج فارس تا دریای خزر (شامل آسیای مرکزی) و از طریق سیبری و منطقه قطب شمال تا خاور دور روسیه، آلاسکا و کانادا امتداد دارد که نزدیک به ۸۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان در این مناطق واقع شده‌اند (Sikeri, 2019: 2).

^۱. World Energy Outlook

^۲. Arc of Energy

علاوه بر این، با توجه به اینکه روسیه در اوج تولید خود است و عربستان سعودی ظرفیت اضافی در تولید بلندمدت ندارد، جامعه جهانی درباره محدود بودن تولید این منابع انرژی تجدیدناپذیر هشدار می‌دهد. محدودیت منابع انرژی منجر به افزایش نگرانی‌های بی‌سابقه امنیت انرژی در میان کشورهای مصرف‌کننده شده است. علاوه بر این، اختلافات تجاری، بی‌ثباتی منطقه‌ای، ناآرامی‌های مدنی و بی‌ثباتی‌های سیاسی در کشورهای منطقه خلیج فارس، تهدیدات تأمین انرژی، آسیب‌پذیری مسیرهای تأمین، دزدی دریایی و تروریسم باعث شده است سرمایه‌گذاران نگران امنیت انرژی باشند؛ زیرا نزدیک به ۲۵ درصد کل صادرات نفت جهان از طریق تنگه هرمز، حدود ۱۵ درصد از طریق تنگه مالاکا و بیش از ۵ درصد از طریق تنگه باریک باب‌المندب که دریای سرخ و خلیج عدن را به هم متصل می‌کند، انجام می‌شود (Pascual, 2018: 3). شاید به‌همین دلیل تقلای جهانی برای نفت و انرژی مسیر سریعی را در سراسر مناطق ژئوپلیتیک سرشار از منابع انرژی در پیش گرفته است. آسیای مرکزی آخرین چشم‌انداز جغرافیایی اکتشاف انرژی جهان با ظرفیت‌های انرژی عظیم و محیط سرمایه‌گذاری مناسب است که بدون شک توجه جهانی را به خود جلب کرده است. رقابت شدید بر سر کنترل و مدیریت منابع انرژی و مسیرهای تأمین آن‌ها توسط کشورهایی مانند ایالات متحده، چین، اتحادیه اروپا، روسیه، ژاپن، اسرائیل، ایران، پاکستان و هند منجر به تدوین سیاست خارجی تهاجمی و محاسبات استراتژیک شده است. در حال حاضر، بسیاری از آن به بازی بزرگ نوین تعبیر می‌کنند.

۲. مؤلفه انرژی در ژئوپلیتیک آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به‌عنوان صفحه جدید ژئوپلیتیک در ۱۹۹۱ با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد که شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان با وسعت حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت حدود ۵۳ میلیون نفر است (Chandra, 2017: 1). این منطقه در قلب آسیا قرار دارد و از شرق با چین، از جنوب با افغانستان و ایران از شمال با روسیه و از غرب با دریای خزر غنی از انرژی همسایه است. جمهوری‌های آسیای مرکزی با مشکلات اقتصادی فراوان بنا دارند از منابع انرژی خود نهایت استفاده را برای بازسازی کشور و اقتصادهای خود ببرند. ظهور این منطقه هم‌زمان با بحران شدید انرژی در جهان و وابستگی بیش از حد به کشورهای ناپایدار خاورمیانه بدون شک توجه جهانیان را به این منطقه جلب کرده است که عمدتاً بر بهره‌برداری، کنترل منابع انرژی منطقه و مدیریت

شبکه‌های خط لوله متمرکز است؛ از این رو، در این منطقه رقابتی خزانده در جریان است که بسیاری از آن زیر عنوان منابع سیاسی و دیپلماسی خط لوله که در میان بازیگران اصلی منطقه‌ای و جهانی برای منابع و نفوذ در جریان است نام می‌برند (Pradhan, 2019).

آسیای مرکزی غنی از هیدروکربن است و فرصت‌های عظیمی برای کشف، تولید، حمل‌ونقل و پالایش حجم عظیمی از نفت، گاز و سایر منابع انرژی ارائه می‌دهد. قزاقستان با ذخایر بزرگ نفت، زغال‌سنگ و مقادیر درخور توجهی ذخایر اورانیوم شناخته می‌شود در حالی که ترکمنستان و ازبکستان به ذخایر گاز خود مشهور هستند. قرقیزستان مقدار درخور توجهی نیروی برق‌آبی تولید می‌کند. ذخایر اثبات‌شده نفت از ۹ تا ۴۰ میلیارد بشکه و ذخایر گاز طبیعی احتمالاً بیش از ۱۳۱ تریلیون فوت مکعب است (Patnaik, 2016). با این احتساب، آسیای مرکزی در واقع در حال آمادگی برای تبدیل شدن به تأمین‌کننده اصلی انرژی جهان، به‌ویژه در بخش‌های نفت و گاز است.

ذخایر نفت منطقه در سال ۲۰۱۸ تقریباً ۳ درصد (۲۸۴.۳۸ میلیون بشکه) از ذخایر نفت جهان بود (ENI, 2018). قزاقستان با ذخایر اثبات‌شده ۲/۳۱ هزار میلیون بشکه، با ظرفیت تولید ۲۱۴۷ هزار بشکه در روز، تولیدکننده اصلی نفت در منطقه است (BP, 2018). بر اساس برآوردهای بریتیش پترولیوم، ذخایر نفتی ترکمنستان تقریباً ۶۰۰ میلیون بشکه ثابت شده است و ظرفیت تولید ۱۸۵ هزار میلیون بشکه در روز دارد (Knoema, 2021).

مجله نفت و گاز تخمین می‌زند که کل ذخایر انرژی اولیه (اثبات‌شده و پیش‌بینی‌شده) ازبکستان بالغ بر ۵/۵ میلیارد نفت و زغال‌سنگ با ۱۷۱ میدان نفت و گاز طبیعی کشف‌شده در این کشور است (U S Department of Commerce, 2021) و مسائل انرژی در اولویت اصلی دستور کار رئیس‌جمهور، میرضیایف قرار دارد.

همچنین، آسیای مرکزی منطقه تولیدکننده گاز است. این منطقه ۴ درصد (۲۷۰-۳۶۰ تریلیون فوت مکعب) از ذخایر گاز جهان را در خود جای داده است. ترکمنستان و ازبکستان دو تولیدکننده اصلی گاز هستند و قزاقستان ذخایر درخور توجهی دارد. ترکمنستان دارای ۵/۱۹ تریلیون مترمکعب ذخایر اثبات‌شده با ظرفیت تولید ۶۳ میلیارد مترمکعب، ازبکستان دارای ۶/۱ میلیارد مترمکعب ذخایر گازی با ظرفیت تولید ۷/۵۷ میلیارد مترمکعب و قزاقستان دارای ذخایر گاز ثابت‌شده ۳ تریلیون مترمکعب و ذخایر پیش‌بینی‌شده ۵ تریلیون مترمکعب است (US Department of Commerce, 2022).

علاوه بر این، این منطقه ذخایر وسیع زغال‌سنگ نیز دارد. قزاقستان با تخمین ۳۳۶۰۰ میلیون تن زغال‌سنگ در کاراگاندا و مناطق دیگر بزرگ‌ترین تولیدکننده زغال‌سنگ در آسیای مرکزی است. ازبکستان همچنین ۳/۳ میلیارد تن زغال‌سنگ (US Department of Commerce, 2021) دارد و قرقیزستان نیز دارای ذخایر زغال‌سنگ درخور توجهی است. زغال‌سنگ قزاقستان به‌طور منظم با برق قرقیزستان مبادله می‌شود و صنعت زغال‌سنگ یکی از صنایع اصلی در قزاقستان است. ظرفیت برق‌آبی منطقه آسیای مرکزی نیز اهمیت نیز زیادی دارد. تقریباً ۸۵ درصد از منابع آب منطقه در تاجیکستان و قرقیزستان واقع شده‌اند (Domnin, 2016). همچنین قزاقستان و ازبکستان دو کشور بزرگ در میان کشورهای آسیای مرکزی هستند که بیشترین میزان استراتژیک اورانیوم را دارند. قزاقستان با داشتن حدود ۹۴۰۱۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده بیشترین مقدار اورانیوم را در منطقه دارد. ازبکستان ۱۵۰ هزار تن ذخایر اورانیوم دارد. تاجیکستان و قرقیزستان دارای مقادیر درخور توجهی سنگ معدن اورانیوم و ظرفیت غنی‌سازی آن هستند (World Nuclear Association, 2021).

در این چهارچوب می‌توان گفت که در خلأ سیاسی این منطقه که پس از فروپاشی ناگهانی اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده است، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند در حال نزدیک‌شدن به سطوح جدیدی از رقابت در آسیای مرکزی هستند و منابع انرژی آسیای مرکزی نقطه مشترک همه این قدرت‌ها است (Krapohl & Dienes, 2020). عوامل انگیزشی که قدرت‌های جهانی در منابع انرژی آسیای مرکزی دنبال می‌کنند به شرح زیر هستند:

۱. نفت این منطقه از کیفیت خوبی برخوردار است.
۲. آسیای مرکزی یکی از آخرین بخش‌های بزرگ جهان است که فرصت‌هایی را برای کشف، تولید، حمل و تصفیه حجم عظیمی از نفت و گاز و سایر منابع انرژی ارائه می‌دهد.
۳. از آنجا که بیشتر ذخایر آن کشف‌نشده و توسعه‌نیافته است، سهم آن در بازار جهانی انرژی بسیار امیدوارکننده به نظر می‌رسد.
۴. اگرچه کشورهای آسیای مرکزی، ذخایر نفت و گاز بزرگی در اختیار دارند؛ اما از سرمایه و فناوری لازم برای تولید به‌تنهایی برخوردار نیستند، واقعیتی که این فرصت را برای شرکت‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری و به‌دست‌آوردن سهم در تولید و درآمدها فراهم می‌کند (Pizzolo & Carteny, 2021: 56).

۵. نکته مهم این است که بیشترین بخش نفت آسیای مرکزی برای صادرات در نظر گرفته شده است؛ زیرا نیازهای داخلی کشورهای تولیدکننده نسبتاً کم است و انتظار می‌رود همچنان پایین بماند.

۶. آسیای مرکزی در مقایسه با سایر مناطق غنی از انرژی، منطقه‌ای نسبتاً پایدار است.

در کنار این‌ها، دو عامل عمده دیگر نیز وجود دارند که قدرت‌های جهانی را بر آن می‌دارد تا منافع خود را در بخش‌های انرژی آسیای مرکزی گسترش دهند. نخست، کشورهای جهان در تلاش برای به‌دست‌آوردن انرژی جهت تأمین نیازهای مصرف داخلی خود هستند. دوم، امروزه انرژی چیزی فراتر از منبع طبیعی است؛ در واقع کالایی استراتژیک است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد قدرت اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهند.

دریای خزر بزرگ‌ترین دریای محصور زمین است. عامل اصلی که توجه جهان را به حوزه خزر جلب کرد چشم‌انداز ذخایر بزرگ نفت و گاز آن در این منطقه است. این حوزه متشکل از پنج کشور ساحلی روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، ۷ درصد از کل تولید گاز جهان را تشکیل می‌دهد که بسیار بیشتر از سهم نفتی آن در کل تولید نفت جهان است (US Department of Commerce, 2021).

اولین مطالعه معتبر درباره ظرفیت انرژی خزر را وود مکنزی در شرکت مشاوره اسکاتلندی در ۱۹۹۸ انجام داده که مجموع ذخایر اثبات‌شده نفت و گاز جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان ۶۸ میلیارد بشکه نفت بوده است. از این میزان، کل نفت ۲/۲۵ میلیارد بشکه بود که ۶۵ درصد آن متعلق به قزاقستان (۴۳/۱۶ میلیارد) و باقی‌مانده متعلق به جمهوری آذربایجان (۵/۶ میلیارد)، ترکمنستان (۹۱/۰ میلیارد) و ازبکستان (۳۴/۱ میلیارد) بود. در آوریل ۱۹۹۸، مؤسسه بیکر دانشگاه رایس^۱ و مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن^۲ دو مطالعه دیگر منتشر و نتایج وود مکنزی را تأیید کردند (Ramakrushna, 2019: 43). بر اساس آخرین آمار در سال ۲۰۲۱، ازبکستان دارای ذخایر هیدروکربنی درخور توجهی است. ذخایر انرژی اولیه (اثبات‌شده و پیش‌بینی‌شده) بالغ بر ۵/۵ میلیارد است که شامل ۱/۶ میلیارد تن گاز طبیعی و ۲۴۵ میلیون تن نفت است (U. S. Department of Commerce, 2021). بر اساس گزارش وزارت انرژی آمریکا، قزاقستان دارای ذخایر نفت خام ۳۰ میلیارد بشکه‌ای است که دومین کشور بزرگ در اوراسیا پس از

^۱. Rice University's Baker Institute

^۲. The International Institute for Strategic Studies

روسیه و دارنده دوازدهمین ذخایر بزرگ در جهان پس از ایالات متحده است (U. S. Department of Commerce, 2022). در سال ۲۰۲۱، ذخایر گاز طبیعی ترکمنستان ۴۰۰ تریلیون فوت مکعب بود. ذخایر گاز طبیعی ترکمنستان از ۱۰۱ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۲ به ۴۰۰ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۱ رسیده و ذخایر نفت خام این کشور، ۸۹/۱۸۵ میلیارد بشکه برآورد شده است (World Data Atlas, 2021).

۳. قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی و بازی بزرگ نوین

در قرن نوزدهم، بریتانیا و روسیه برای نفوذ در کمربند وسیع اوراسیا که از بالکان تا افغانستان امتداد داشت، با هم رقابت کردند. در قرن بیستم، بازیگران «بازی بزرگ» تغییر کردند. روسیه پس از ۱۹۱۷ جای خود را به اتحاد جماهیر شوروی داد و بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم، جای خود را به ایالات متحده داد (Pizzolo & Carteny, 2021: 34). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان، قدرت‌های مختلف منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای مانند روسیه، چین، آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، ایران و هند به دنبال تأثیرگذاری بر امور منطقه بودند و بازی بزرگ نوینی را آغاز کردند (Ishikawa & writer, 2021: 33).

چین به‌عنوان دولت سرمایه‌داری جدید و ایالات متحده، روسیه، اروپا و هند در صفحه بزرگ شطرنج آسیای مرکزی با یکدیگر رقابت می‌کنند (Chandra, 2017). با این حال، ماهیت این «بازی ژئوپلیتیک جدید»^۱ کاملاً مشابه و دوگانه بوده است: کنترل تولید نفت و گاز و مدیریت مسیرهای خط لوله از اولویت‌های اصلی این بازی هستند. ابتکارات «جاده ابریشم جدید» ایالات متحده، استراتژی بزرگ کمربند-راه چین، اتحادیه اقتصادی اوراسیای روسیه و کریدور شمال-جنوب هند برای اتصال منطقه آسیای مرکزی با جهان گسترده‌تر از اهم این طرح‌ها هستند که بر رشد ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی این منطقه تأکید دارند (Ibid).

دسترسی به ذخایر نفت و گاز منطقه آسیای مرکزی به دلیل شکل فیزیکی منطقه همچنان با مانع روبه‌رو است. استفاده از سرمایه و فناوری خارجی، عمدتاً برای اکتشاف و حمل‌ونقل ذخایر نفت و گاز حوزه دریای خزر، عامل نفوذ سیاسی و اقتصادی فرامنطقه‌ای در منطقه است. محدودیت‌های شکل فیزیکی منطقه، ترانزیت منابع از منطقه را پیچیده کرده است. این منطقه هیچ مسیری برای صادرات کالا بدون عبور از خاک کشور دیگر ندارد و

^۱. New Geopolitical Game

دسترسی مستقیم به آبراه‌های بین‌المللی قابل کشتیرانی از این منطقه میسر نیست (Domnin, 2019)؛ بنابراین، کشورهای منطقه برای منابع طبیعی خود، تجارت و مسیرهای حمل‌ونقل به‌شدت به سایر کشورها وابسته هستند.

آسیای مرکزی نماینده تولیدکنندگان بزرگ بالقوه منابع انرژی و مرکزی برای اتصال مجاری نفت و گاز به داخل اوراسیا است (Subramanian, 2019: 116). موضوع اصلی نگرانی کشورهای غنی از انرژی این منطقه از زمان استقلال، موقعیت محصور در خشکی آن‌ها بوده که مشکلاتی را برای حمل‌ونقل بسیار ضروری منابع انرژی ایجاد کرده است. از نظر تدارکات حمل‌ونقل، هیچ مسیر آسانی وجود ندارد که نفت و گاز خزر را با خطوط کشتیرانی دریایی به مصرف‌کنندگان عمده انرژی جهان، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و هند، پیوند دهد. حرکت مستقیم به‌سمت غرب مستلزم دور زدن خزر، افزایش طول خط لوله یا ساخت خط لوله زیر آب است که هزینه پروژه را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. علاوه بر این، عوارض ناشی از مشاجره داغ میان پنج دولت ساحلی آن، مصائب بیشتری را به مسائل نگران‌کننده اضافه می‌کند. حرکت از شرق به‌سمت اقیانوس آرام از نظر فنی از طریق ترکمنستان- ازبکستان و قزاقستان امکان‌پذیر است و از سال ۲۰۰۵ خط لوله نفت چین- قزاقستان و سال ۲۰۰۹ خط لوله گاز آسیای میانه- چین به‌طور کامل کار می‌کنند (Simonov, 2021) و بسیاری دیگر از خطوط لوله در حال ساخت هستند. رفتن به‌سمت جنوب شرقی و اقیانوس هند از طریق ایران، افغانستان و پاکستان نیز امکان‌پذیر است؛ اما کوه هندوکش، افغانستان پرآشوب و پاکستان موانع در دسرساز هستند.

با وجود این، بحران انرژی در سراسر جهان و افزایش تقاضای مصرف داخلی، بسیاری از مصرف‌کنندگان بالقوه برای انرژی آسیای مرکزی را از جمله ایالات متحده، چین، اتحادیه اروپا، ژاپن، هند و پاکستان به‌سمت آن منطقه جلب کرده است. با این حال، تنها تعداد کمی از کشورها توانایی تأثیرگذاری بر ژئوپلیتیک انرژی آسیای مرکزی را در سطح جهانی دارند.

روسیه: آسیای مرکزی حوزه نفوذ سنتی کرملین بوده است. به‌دلیل برنامه‌ریزی متمرکز و سیستم توزیع انرژی از دوران شوروی، آسیای مرکزی همچنان وابسته به مسکو است. تمام خطوط لوله حمل‌ونقل و ارتباطات به‌طور یکپارچه به روسیه متصل بوده‌اند. شرکت‌های غربی مانند شورون^۱ برای کاهش هزینه زیرساخت‌های جدید از خطوط لوله اتحاد جماهیر شوروی

^۱. Chevron Corporation

استفاده می‌کردند (7: Silvan, 2021)؛ به‌همین دلیل است که همه کشورهای آسیای میانه برای انتقال نفت و گاز خود از طریق خطوط لوله روسیه به این کشور متکی هستند و این امر به مسکو امکان می‌دهد که اهرم‌های خود را در این منطقه حفظ و درآمد ترانزیتی از این محل برای خود ایجاد کند و هرگونه حضور غربی‌ها در این منطقه به‌منزله تهدید منافع روسیه در حیاط‌خلوت آن تلقی خواهد شد.

تهدیدهای اصلی برای تسلط انرژی روسیه، خطوط لوله جدید خارج از کنترل آن هستند. خط لوله جمهوری آذربایجان - گرجستان - ترکیه بزرگ‌ترین موفقیت غرب برای ایجاد مسیر جایگزین بوده است و اتحادیه اروپا می‌خواهد با پروژه نابوکو آن را تکرار کند. پس از اتمام خط لوله قزاقستان - چین، روسیه متوجه این تهدید بزرگ شد که زمان زیادی برای جلوگیری از دسترسی بیشتر بازیگران دیگر به این منطقه ندارد (Trenin, 2017).

هدف اصلی سیاسی مسکو این است که دامنه وسیعی از نفوذ خود را بر جمهوری‌های شوروی سابق که برون‌مرز (خارج نزدیک) نامیده می‌شوند، حفظ کند. روسیه علاوه بر ایجاد و نهادینه‌سازی روابط با کشورهای آسیای میانه، از ابزارهای قانونی و تجاری نیز استفاده می‌کند؛ از جمله: الف) اطمینان از مشارکت شرکت‌های روسی در توسعه منابع طبیعی منطقه و ادامه استفاده صادرکنندگان نفت و گاز آسیای مرکزی با خطوط لوله روسیه؛ ب) تلاش برای به‌حداقل‌رساندن مشارکت شرکت‌های آمریکایی و اروپایی در سرمایه‌گذاری‌های مشترک با هم‌تایان آسیای مرکزی از طریق با مشارکت و اعلام حضور خود در طرح‌های این کشورها؛ ج) از بین بردن رقبای احتمالی با اعلام یا ایجاد خطوط لوله جایگزین مناسب برای حمل‌ونقل انرژی زمینی زیر سلطه روسیه د) تلاش برای افزایش وابستگی انرژی اتحادیه اروپا به روسیه با تقسیم و کاهش قدرت غرب از طریق دیپلماسی انرژی؛ ه) تقویت روابط دوجانبه انتخابی - اجباری با دولت‌های آسیای مرکزی در چهارچوب چتر امنیتی دو و یا چندجانبه (Vinokurov, 2018).

همچنین روسیه، برای تقویت کنترل خود بر بازارهای گاز اروپا و کنار گذاشتن پروژه خط لوله زیر حمایت آمریکا و نابوکو که مسکو را دور می‌زند، می‌خواهد از خط لوله دوقلوی ۱۲۰۰ کیلومتری «نورد استریم»^۱ از بندر ویبورگ^۲ روسیه تا بندر گریفسوالد^۳ آلمان استفاده کند. ساخت این لوله با هزینه ۴/۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۰ آغاز و اولین خط لوله برای

^۱. Nord Stream

^۲. Выборг

^۳. The Port of Greifswald

تحویل در ۲۰۱۱ آماده شد. این خط لوله بدون عبور از اوکراین و لهستان، کشورهای ترانزیتی که مسکو سال‌ها با آن‌ها بر سر گاز روسیه برای بازار اروپا اختلاف نظر دارد، ساخته شده است. با این حال، این پروژه در دسامبر ۲۰۱۴ یک بار به دلیل اختلاف با اتحادیه اروپا و بلغارستان و حمله روسیه به کریمه مدتی تعلیق شد و اکنون بر سر مسئله اوکراین و اختلافات روسیه با غرب بیم آن می‌رود که دوباره از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا تحریم شود (Global Energy Monitor, 2022).

ایالات متحده: تنها پس از آنکه وزارت انرژی ایالات متحده در گزارش خود پیش‌بینی کرد که ظرفیت تخمینی ذخایر دریای خزر حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه معادل ذخیره نفتی عربستان سعودی است، دولت ایالات متحده اهمیت‌دادن به این منطقه را آغاز کرد (Patnaik, 2016). ایالات متحده بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است و به‌طور متوسط به ۴/۱۹ میلیون بشکه نفت و ۹/۲۱ تریلیون فوت مکعب گاز در روز نیاز دارد (BP, 2018). اگرچه ایالات متحده برای تأمین تقاضای داخلی به انرژی آسیای میانه نیاز ندارد؛ اما منافع استراتژیک و ژئوپلیتیک در انرژی این منطقه دارد (Starr & Cornell, 2018: 11). ایالات متحده، منافع اساسی خود را در راستای ارتقای جریان نفت و گاز طبیعی به اروپا و آسیا جست‌وجو می‌کند و به دنبال محدود کردن نفوذ روسیه بر عرضه نفت و گاز طبیعی و جلوگیری از انحصار این کشور بر منابع آسیای مرکزی است و همچنین علاقه‌مند است برخی کشورها مانند ایران را از کسب سود از انرژی آسیای مرکزی بازدارد؛ به‌عنوان مثال به‌رغم اطلاع ایالات متحده از نیاز مبرم هند به گاز طبیعی، با خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند مخالفت کرد تا ایران را منزوی کند. علاوه بر این‌ها، ایالات متحده نقش مهمی در گردهم‌آوردن گرجستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه برای ایجاد پروژه خط لوله جدید به نام باکو-تفلیس-جیهان ایفا کرده است. از نظر ژئوپلیتیک، سیاست‌گذاران واشنگتن در حمایت از ایجاد خطوط لوله متعدد برای نفت و گاز خزر و حمایت از گروه‌های انرژی آمریکایی که نقش مهمی در خزر ایفا می‌کنند، برنامه‌ریزی دارند؛ زیرا اهداف راهبردی که باعث افزایش حضور آمریکا در منطقه می‌شود برتری بر رقبا در بازی جمعی برای پرکردن خلأ قدرت شوروی و حفظ هژمونی خود در آسیای میانه است (Rakimov, 2018: 7). در سال ۲۰۰۶، ایالات متحده پروژه خط لوله نفت ۱۷۶۰ کیلومتری باکو-تفلیس-جیهان را به‌عنوان بخشی از پروژه انرژی خود در آسیای مرکزی با هزینه ۴ میلیارد دلار

افتتاح کرد که دومین، طولانی‌ترین و گران‌ترین پروژه برنامه‌ریزی و اجرا شده خط لوله جهان است. این مسیر از جمهوری آذربایجان و گرجستان می‌گذرد، از طریق ارمنستان ادامه می‌یابد و در بندر جیهان ترکیه به پایان می‌رسد. در مورد گاز طبیعی نیز ایالات متحده سخت تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند که مسیر حمل‌ونقل جدید یعنی خط لوله نابوکو که توسط آ.ام.وی^۱ اتریش و بوتاس ترکیه در ۲۰۰۲ آغاز شده است، محقق شود. این پروژه با هدف شکستن انحصار روسیه به ارزش ۳/۱۲ میلیارد دلار آمریکا برای انتقال گاز طبیعی از میدان شاه دنیز جمهوری آذربایجان به باومگارتن اتریش طراحی شده است. طول کل آن ۳۴۰۰ کیلومتر است و از شش کشور عبور می‌کند (Cornell & Starr, 2018: 62). آمریکا و اتحادیه اروپا به دو دلیل به نابوکو توجه دارند: اول، خلاصی از مسیر دردرساز سنتی شمالی اوکراین و لهستان که هنوز حدود ۸۰ درصد گاز وارداتی اتحادیه اروپا از روسیه را پمپاژ می‌کند؛ دوم، امید به اینکه تولیدکنندگان عمده گاز مانند ایران، عراق، ترکمنستان و مصر ممکن است در آینده نزدیک به‌عنوان تأمین‌کننده منابع انرژی برای اتحادیه اروپا به‌منظور خلاصی از دست روسیه ظاهر شوند؛ اما چشم‌انداز این پروژه تاکنون کاملاً روشن نیست؛ زیرا قدرت‌های غربی (اتحادیه اروپا و ایالات متحده) قادر به تشکیل جبهه متحد نیستند که بتوانند فشارهای چندوجهی مسکو را بی‌اثر کنند.

چین: برژینسکی در نظرات خود به چهار قطب برجسته که نقش مهمی در آسیای مرکزی دارند اشاره کرده است (Brzezinski, 1998). چین یکی از این چهار قطب است که ورود قدرتمندی به آسیای مرکزی، به‌ویژه در بخش نفت و گاز داشته است. چین با احساس خلأ ژئوپلیتیک در منطقه آسیای مرکزی و ناتوانی مالی و فناورانه کرملین، تمایل خود را برای تشکیل سازمان همکاری شانگهای با مشارکت روسیه و همه کشورهای آسیای مرکزی به‌جز ترکمنستان ابراز کرد. برای برطرف کردن تبلیغات ترس گسترده از «تهدید چین»، پکن با تأکید بر صلح‌آمیزبودن طرح، سعی در جلب اطمینان کرده و سرمایه‌گذاری زیادی در آسیای مرکزی انجام داده است (Kohli, 2018: 7). جمهوری‌های آسیای مرکزی با وسوسه تجارت سودآور با چین، حقوق معدنی بیشتری را به شرکت‌های چینی، مانند شرکت دولتی نفت چین و سینوپک واگذار کرده و با ساخت خطوط لوله مرزی نیز موافقت نموده‌اند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به پروژه خط لوله پکن با قزاقستان و دیگر جمهوری‌های آسیای

^۱. Oil Mineral Administration Stock Company Vienna (OMV)

مرکزی اشاره کرد. این پروژه برای اولین بار در مه ۲۰۰۵ از میدان کومکول در منطقه آکتوب شروع به پمپاژ نفت کرد و این اولین خط لوله‌ای بود که نفت را مستقیماً به چین منتقل کرد (Faziliv & Chen, 2018: 38). این خط لوله همچنین برای حمل نفت خام روسیه نیز طراحی شده است. اساس همکاری این خط لوله سه‌جانبه است؛ زیرا اهرم ژئوپلیتیک روسیه به دو دلیل برای چین اهمیت دارد: اول، میدان کومکول^۱ منبع اصلی تأمین محلی خط لوله آتاسو-آلاشانکو^۲ است؛ دوم، پالایشگاه شیمکنت^۳ که با میدان کومکول مرتبط است به خط لوله اومسک-پاولودار^۴ متعلق به دوران شوروی متصل است که رسماً به نام کنسرسیوم خط لوله مرکزی، زیر کنترل ترانس نفت روسیه شناخته می‌شود. این بدان معناست که ترانس نفت همراه با لوک اوایل^۵ گزینه تنظیم حجم حرکت نفت خام بین کنسرسیوم خط لوله مرکزی^۶ و خط لوله نفت چین-قزاقستان را بر عهده دارند (Chen, 2017: 39). پس از در نظر گرفتن منافع روسیه بود که این کشور عملاً با ساخت خط لوله چین و قزاقستان مخالفت نکرد؛ زیرا فقط معنای نمادین دارد و مانع از کنترل خط لوله آسیای مرکزی توسط چین نمی‌شود. مزیت عمده این پروژه برای قزاقستان و چین را می‌توان در این واقعیت‌ها مشاهده کرد: الف) هزینه سنگینی برای حمل و نقل ندارد؛ ب) هیچ کشور ثالثی نمی‌تواند نفت قزاقستان را با افزایش خودسرانه هزینه‌ها یا مسدود کردن خط لوله گروگان بگیرد؛ پ) قزاقستان یک منبع صادراتی قابل اعتماد برای ذخیره نفت فراوان خود تضمین کرده است؛ زیرا چین برای حفظ شتاب رشد بالای خود به منبع پایدار نیاز دارد. با وجود این، معایب جزئی نیز وجود دارند. در این خط لوله که بیشتر نفت آن از میدان‌های خزر مانند میدان عظیم کاشاگان تأمین می‌شود به دلیل مقادیر زیادی سولفید هیدروژن در زمستان یخ می‌زند (Pradhan, 2019: 426).

در آسیای مرکزی، قزاقستان مهم‌ترین شریک انرژی چین است. پکن تقریباً ۲۰ درصد از تولید نفت قزاقستان را در اختیار دارد و طولانی‌ترین خط لوله جهان را که ۲۳۰۰ کیلومتر از دریای خزر تا استان سین‌کیانگ حرکت می‌کند، احداث کرده است. شرکت دولتی چین همچنین دارای سهم درخور توجهی در میدان نفتی کاشاگان و مالک چندین میدان نفتی

^۱. Kumkol oil field

^۲. Atasu - Alashankou

^۳. shymkent

^۴. Omsk-Pavlodar Oil Pipeline

^۵. LUKoil

^۶. Central Pipeline Consortium (CPC)

کوچک در قزاقستان است. علاوه بر این، قزاقستان به‌عنوان مسیر ترانزیت نفت چین عمل می‌کند (Sakir, 2020: 86).

چین همچنین به‌طور مستقیم گاز مصرفی خود را از ترکمنستان، صادرکننده اصلی گاز منطقه، وارد می‌کند. پکن خط لوله گاز آسیای مرکزی- چین را احداث کرده است. ازبکستان نیز از طریق همین شبکه خط لوله ارتقایافته به چین گاز صادر می‌کند. در سال ۲۰۱۳، چین و ازبکستان ۱۵ میلیارد دلار قرارداد انرژی امضا کردند. چین همچنین دو پالایشگاه دیگر در شهرهای کارا بالتا^۱ و توماک^۲ در قرقیزستان را تأمین مالی کرده است (Glinkina et. al., 2019: 18). با توجه به مشارکت فعلی چین در آسیای مرکزی، آژانس بین‌المللی انرژی تخمین زده است که چین ممکن است تا سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۵۰ درصد نفت و گاز صادراتی از منطقه آسیای میانه را وارد کند که منجر به تغییر قطعی جریان انرژی آسیای مرکزی از غرب به شرق می‌شود (IEA, 2021).

اتحادیه اروپا: بروکسل آسیای مرکزی را به‌عنوان جایگزینی برای ارتباط با چین و بقیه آسیا، دوزدن روسیه و بهره‌برداری از دیگر منابع انرژی و فرصت‌های تجاری می‌بیند. برای استفاده از این فرصت‌ها، اتحادیه اروپا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کریدور حمل‌ونقل اروپا- قفقاز- آسیا را راه‌اندازی کرد. در ۲۰۱۹، اتحادیه اروپا بیانیه‌ای مشترک با عنوان «اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی: فرصت‌های جدید برای مشارکت قوی‌تر» در پارلمان و شورای اروپا تصویب کرد (European Commission, 2019).

دلایل اصلی علاقه اروپا به رشد اقتصادی، ثبات و امنیت آسیای مرکزی عبارتند از:

۱. آسیای مرکزی دسترسی اتحادیه اروپا به آسیا را بدون عبور از خاک روسیه فراهم می‌کند. آسیای مرکزی در حال حاضر قطارهای چینی و اروپایی را قادر می‌سازد تا کالاها را بین کشورهایشان حمل کنند و به مشارکت اقتصادی آن‌ها می‌افزاید. در مقابل، کشورهای آسیای مرکزی از طریق هزینه‌های ترانزیت، درآمد بیشتری کسب می‌کنند که به‌نفع پروژه‌های توسعه زیربنایی آن‌ها است (European Parliament, 2021).

۲. اتحادیه اروپا منابع انرژی را از آسیای مرکزی وارد می‌کند؛ بنابراین روابط اقتصادی میان دو منطقه توسعه می‌یابد. قزاقستان حدود ۸ درصد نفت اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند. بانک اروپایی بازسازی و توسعه و بانک سرمایه‌گذاری اروپا فعالانه در منطقه

^۱. Kara Balta

^۲. Tumak

کار می‌کنند و به کشورهای آسیای مرکزی وام و حمایت مالی می‌دهند. اتحادیه اروپا حدود ۱۵/۷ میلیارد دلار وام و اعتبار به کشورهای آسیای مرکزی ارائه کرد. قزاقستان با ۵۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، بیشترین سود را از روابط خود با اتحادیه اروپا برده است. اتحادیه اروپا برای حمایت از حقوق بشر در منطقه، طرح تجاری ترجیحات عمومی^۱ خود را ترویج می‌کند (European Comision, 2019).

۳. اتحادیه اروپا در تقویت امنیت آسیای مرکزی مشارکت دارد. برای تسهیل این امر، اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی سازوکارهای گفت‌وگوی سیاسی و امنیتی در سطح بالا را جداگانه ایجاد کرده‌اند. بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹، اتحادیه اروپا ۲/۱ میلیارد دلار کمک اضافی به منطقه برای تسهیل این روند اختصاص داد (Soutullo & et al., 2021).

اتحادیه اروپا در تنوع‌بخشیدن به صادرات انرژی از آسیای مرکزی دست به اقداماتی زده است. در ۲۰۱۵، این اتحادیه ۱۸۳۸۰ تریلیون بشکه در روز نفت و ۵/۱۰۰۳ میلیارد مترمکعب در سال گاز مصرف کرد (BP, 2016). این اتحادیه واردکننده خالص انرژی است. حتی قبل از پایان جنگ سرد، اروپا به واردات انرژی از روسیه متکی بود. اکنون با عضویت جمهوری‌های شوروی، اتحادیه اروپا خود را بیشتر وابسته می‌داند. در سال ۲۰۱۱، ۳۳ درصد از واردات نفت این اتحادیه و ۴۰ درصد از واردات گاز آن از طریق روسیه انجام می‌شد و با درگیری‌های انرژی میان اوکراین و روسیه که باعث کاهش عرضه گاز به اروپا شده بود، اتحادیه اروپا متوجه انرژی آسیای مرکزی شد (Emilbek & Muratalieva, 2020: 5). این اتحادیه به‌عنوان بازار بزرگ انرژی، ظرفیت دارد که نقش مهمی در انرژی آسیای مرکزی ایفا کند و به‌تازگی شروع به هماهنگ‌سازی فعالیت‌های کشورهای عضو خود در منطقه کرده است. یکی از پروژه‌های اصلی این سند همکاری، احداث خط لوله نابوکو بود. این پروژه، گاز ترانس خزر را وارد خط موجود باکو-تفلیس-ارزروم کرده و سپس از طریق ترکیه به اروپا منتقل می‌کند. مزایای خط لوله این است که از خاک روسیه عبور نمی‌کند و وابستگی اروپا به روسیه را کاهش می‌دهد (Von, 2018).

هند: به‌رغم نزدیکی‌های فرهنگی و ارتباطات تاریخی، هند هنوز نتوانسته است خود را با سایر قدرت‌های منطقه در یک سطح قرار دهد. چالش‌هایی که هند با آن‌ها روبه‌رو است

^۱. Generalized Scheme of Preferences (GSP+)

ناشی از موقعیت‌های ژئوپلیتیک و موانع جغرافیایی هستند. با توجه به برجستگی ژئوپلیتیک نیازهای رو به رشد آسیای میانه و هند و تلاش برای ایجاد تنوع در مسیرهای تأمین آن، دهلی نو همچنان به دنبال طرحی برای همکاری با آسیای مرکزی است. با این حال، چالش فوری برای هند ناشی از موقعیت جغرافیایی محصور در خشکی منطقه آسیای میانه، نبود راه‌های زمینی برای ترانزیت از هند به آسیای مرکزی و چالش‌هایی است که چین در زمینه انرژی و روسیه در مسائل امنیت ملی ایجاد می‌کند که سبب شده‌اند به‌رغم روابط عالی دیپلماتیک و سیاسی، مشارکت هند در آسیای مرکزی در مقایسه با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بسیار عقب‌مانده باشد.

هند نیز مانند چین در سیاست نفت آسیای مرکزی مشارکت فعال دارد. این کشور ۲۵ درصد از کل تقاضای انرژی جهان، ۶۰ درصد از رشد تقاضای جهانی نفت، ۲۰ درصد گاز طبیعی و ۴۵ درصد از رشد تقاضای زغال‌سنگ را در اختیار دارد (Pradhan, 2019: 427). هند خواهان احداث خطوط لوله‌ای همراه با شش کشور افغانستان، پاکستان، بنگلادش، ایران، میانمار و ترکمنستان بود. هند با سیاست آسیای مرکزی خود یکی از اولین کشورهایی بود که در ژوئن ۲۰۱۲ ارتباطات استراتژیک با این منطقه برقرار کرد. عضویت کامل اعطاشده به هند در سازمان همکاری شانگهای، موقعیت دهلی نو را در این منطقه بیشتر تقویت کرده است.

تاپی: پروژه ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند که در ۱۹۹۵ آغاز شد، خط لوله‌ای بلندپروازانه برای انتقال گاز طبیعی از آسیای مرکزی به جنوب آسیا برای اولین بار بود (Niti, 2015). این پروژه مسیر ۱۶۸۰ کیلومتر را از دولت‌آباد در ترکمنستان تا هرات، هیرمند و قندهار در افغانستان، کویته و مولتان در پاکستان و فاضلیکا در هند طی می‌کند. ترکمنستان چهارمین منبع گاز طبیعی جهان است. این پروژه برای انتقال ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز از ترکمنستان از طریق افغانستان و پاکستان به هند در نظر گرفته شده با این حال، ساخت خط لوله به دلایل مختلف متوقف شده است. تعهد قبلی ذخایر گاز ترکمنستان به روسیه، مشکلات در تعامل با رژیم عشق‌آباد، خطرات امنیتی مربوط به خط لوله که از افغانستان و پاکستان مشکل‌دار عبور می‌کند، فقدان تأمین مالی پروژه گاز توسط شرکت‌های بین‌المللی و تردید هند در رابطه با امنیت عرضه، باعث شده است این پروژه تاکنون دستاوردی نداشته باشد (Ramakrushna, 2019: 483).

کاسارم: بازار برق منطقه‌ای آسیای مرکزی - جنوب آسیا، کاسارم^۱، بر اساس چشم‌انداز آسیای مرکزی بزرگ‌تر است (World Bank, 2017). این، به‌نوبه خود بر این فرض استوار است که آسیای مرکزی و جنوبی یک واحد یکپارچه متعهد به فعالیت و رشد اقتصادی هستند و یا می‌توانند بشوند. کشورهای منطقه به‌ویژه هند به‌عنوان نیروی پیشروی جنوب آسیا دارای روابط عمیق فرهنگی، تاریخی و بسیاری از دغدغه‌های مشترک مانند مبارزه با تروریسم، یافتن راه‌هایی برای تأمین انرژی، دستیابی به رفاه از طریق همکاری‌های اقتصادی و حرکت به‌سمت افزایش امنیت و ثبات هستند. این مفهوم، امنیت و همکاری منطقه‌ای را بیشتر تقویت می‌کند. کاسارم همچنین با قرقیزستان، تاجیکستان و افغانستان در ارتباط است و در صورت انجام ابتکارات مؤثر، ظرفیت و امکان دارد که سایر کشورهای آسیای جنوبی از جمله هند را به یکدیگر متصل کند. کاسارم می‌تواند به تأمین برق شهرهای شمال هند کمک کند که به‌طور کلی در ماه‌های تابستان دچار خاموشی می‌شوند (Pradhan, 2019: 428).

نکته مهم این است که هند در ترسیم استراتژی‌های امنیت انرژی خود از چین در آسیای مرکزی تقلید می‌کند. هند با در نظر گرفتن چین، روابط خود را با مناطق نفت‌خیز بهبود می‌بخشد تا امنیت انرژی خود را افزایش دهد. شرکت‌های نفت و گاز هند نیز به‌شدت تشویق می‌شوند تا در کشورهای مهم استراتژیک سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاری شرکت آ.وی.ال در پروژه‌های ساخالین ۱ و ساخالین ۲ گامی خوب برای پیشرفت هند برای ورود به سرمایه‌گذاری مشترک در میدان‌های گازی آسیای مرکزی و چاه‌های نفت است. نبود اطمینان در مورد ذخایر گاز ترکمنستان و «بحران بزرگ ایران» به دلیل تحریم‌های ایالات متحده چالش‌های پیش‌روی هند هستند. با این حال، هند تلاش کرده است در قالب کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال به جنوب، تنگنای ژئوپلیتیک خود را جبران کند (FT, 2020).

۴. تعامل و تقابل قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی

در نظم جهانی در حال تغییر که در آن مبارزه برای قدرت بین شرق (چین و روسیه) و غرب در مرحله‌ای تعیین‌کننده است، آسیای مرکزی نقش مهمی خواهد داشت؛ زیرا قدرت‌های بزرگ احتمالاً از این منطقه مهم استراتژیک برای رقابت و افزایش حوزه نفوذ خود استفاده خواهند کرد. تاکنون، چین و روسیه توانسته‌اند برتری خود را در منطقه حفظ کنند؛ اما این موضوع می‌تواند بسته به اینکه چگونه قدرت‌هایی نظیر ایران، هند، ترکیه و دیگر

^۱. CASAREM

کشورهای درگیر، با کارت‌های خود در بازی بزرگ نوین در آسیای مرکزی بازی کنند، تغییر کند (Bayramov, 2019: 159).

روسیه با روابط سیاسی و نظامی به‌خوبی توسعه‌یافته خود همچنان قدرت بزرگ پیشرو در منطقه است. با این حال، اقتصاد آن به‌اندازه گذشته قوی نیست و توانایی‌های محدودی برای سرمایه‌گذاری در منطقه در آینده دارد. از سوی دیگر چین مبالغ هنگفتی در آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از پروژه کمربند- راه سرمایه‌گذاری کرده و در حال افزایش نفوذ خود است. این نیز درست است که روسیه و چین در آسیای مرکزی نقاط مشترکی پیدا کرده و تا حدودی به تعامل رسیده‌اند، روسیه مسئول مسائل امنیتی و چین قدرت اقتصادی در منطقه است. مسکو و پکن با هم در تلاش هستند آسیای مرکزی را از نفوذ غرب، به‌ویژه در حوزه سیاسی، نظامی و خطوط انرژی دور نگه دارند (Casier, 2016: 763).

بازیگران غربی تلاش خواهند کرد تا سیاست‌های خود را تغییر دهند. دولت بایدن احتمالاً پروژه جاده ابریشم جدید پیشنهادی در دوران معاونت ریاست‌جمهوری خود را دوباره فعال خواهد کرد. اتحادیه اروپا همچنین به‌دنبال فعال نگه‌داشتن همکاری چندجانبه خود با کشورهای آسیای مرکزی از طریق حمایت از ایالات متحده خواهد بود که رقابت با چین و روسیه را تشدید خواهد کرد (Oyuna and et al., 2021: 23). این احتمال وجود دارد که غرب برای برهم‌زدن توازن، ترکیه را وارد منطقه کند. واشنگتن ممکن است تلاش کند معماری امنیتی آنکارامحور را در آسیای مرکزی و همسایه‌اش، قفقاز جنوبی ترویج کند تا روسیه را از بازی بزرگ نوین بیرون کند. در همین حال، ایران می‌تواند از اردوگاه چین و روسیه حمایت کند تا خود را در منطقه مرتبط نگه دارد و اطمینان حاصل کند که غرب، پایگاه‌های نظامی ایجاد نخواهد کرد که علیه این کشور استفاده شوند.

در چنین حالتی، نقش هند می‌تواند توازن قوا را در اوراسیا تغییر دهد. در حالی که هند روابط خوبی با روسیه، ایالات متحده و ایران دارد، روابط متضادی با چین و ترکیه دارد. در این سناریوی پیچیده، سازمان همکاری شانگهای در حل اختلافات بین اعضا و حفظ ثبات آسیای مرکزی اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد (Sahakyan, 2020).

۵. منافع ایران در آسیای مرکزی

ظهور کشورهای مستقل جدید در منطقه شمال شرق ایران، فرصت‌ها و چالش‌های گوناگونی برای این کشور فراهم کرده است. روابط اقتصادی ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی در

دهه‌های اخیر به دلیل تأثیرات عوامل مختلف، نوسانات چشمگیری داشته است. ترکیب عواملی مانند پیوندهای مشترک تاریخی، تأثیر وضعیت امنیتی در منطقه، جمعیت مسلمانان و جاذبه‌های اقتصادی، اهمیت توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی را برجسته کرده است. در این راستا، روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی متأثر از تحولات دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. زمینه‌های مهم مشترک اقتصادی ایران با آسیای میانه به شرح زیر هستند:

یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران بر توسعه همکاری‌های اقتصادی بیشتر میان خود و آسیای مرکزی در چهارچوب سازمان همکاری‌های اقتصادی گسترده و همچنین در قراردادهای دوجانبه با کشورهای آسیای مرکزی تأکید زیادی داشت (Herzing, 2017). ایران توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای با آسیای مرکزی را وسیله‌ای برای کاهش انزوای بین‌المللی خود در برابر تداوم خصومت آمریکا می‌داند؛ زیرا تحریم‌های اقتصادی تنبیهی مانع از توسعه اقتصاد ایران شده است. کشورهای تازه‌استقلال‌یافته فرصت‌های تجاری جدید بالقوه‌ای را ارائه کردند و برای ایران امکانات تازه‌ای جهت تعامل در بخش منابع فراهم شد. ایران همچنین همکاری با آسیای میانه را برای ثبات و امنیت منطقه حیاتی می‌داند. نکته کلیدی که اغلب در بحث روابط ایران با آسیای مرکزی مطرح می‌شود، موقعیت ژئواستراتژیک آن است. ایران اغلب برای کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به‌عنوان «پل» یا «دروازه» به‌سوی آب‌های آزاد جهانی توصیف می‌شود (Roy, 1957: 2012). این امر برای کشورهای غنی از منابع مانند قزاقستان و ترکمنستان کاربرد ویژه‌ای دارد؛ زیرا ایران کوتاه‌ترین مسیرها را برای رسیدن هیدروکربن‌های آنها به بازار جهانی فراهم می‌کند. با این حال، استفاده از ایران به‌عنوان کشور ترانزیتی برای چنین منابع و خطوط لوله به دلیل دخالت مستمر آمریکا در منطقه خزر مشکل ایجاد کرده است.

خطوط لوله: مسیرهای خط لوله، «مسئله محوری در ژئوپلیتیک مناطق» را تشکیل می‌دهند. با وجود اینکه ایران کوتاه‌ترین مسیر را به اقیانوس جهانی برای منابع خزر که اساساً محصور در خشکی هستند، ارائه می‌کند، منافع آمریکا در منطقه از لحاظ تاریخی حکم می‌کند که هر مسیری باید از جمهوری اسلامی دوری بماند. برای مقابله با این امر، ایران (Dekmejian & Simn, 2017: 38-39) کشوری با «حرکات خلاقانه» توصیف می‌شود که تلاش‌های آمریکا را برای کنارگذاشتنش از قراردادهای انرژی خزر دور می‌زند.

ترکمنستان به‌عنوان تنها کشور آسیای مرکزی که با ایران مرز زمینی دارد و همچنین به‌عنوان منبع یکی از ذخایر بزرگ گاز طبیعی منطقه، کانون اصلی توجه ایران بوده است. خط لوله دولت‌آباد- سرخس- خانگیران در ۲۰۱۰ افتتاح شد که به گاز ترکمنستان اجازه می‌دهد تا از طریق ایران به بازارهای ترکیه و اروپا برسد و در نتیجه وابستگی آن به خطوط لوله روسیه کاهش یابد (Laruelle & Peyrouse, 2013: 84).

دریای خزر: این واقعیت که دریای خزر از نظر ذخایر نفت و گاز طبیعی غنی است، اهمیت بیشتری به نیاز کشورهای ساحلی برای توافق بر سر چگونگی تقسیم آن می‌افزاید. نفت خزر برای صنعتی‌شدن شوروی حیاتی بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منجر به ظاهرشدن پنج کشور مستقل در دریای خزر شد. این وضعیت ریشه در عهدنامه‌های رشت (۱۷۲۹)، گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) میان روسیه و ایران داشت که هیچ‌گونه مرزی برای خزر ایجاد نکردند. معاهدات بیشتر میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۲۱، ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ مبنای موضع ایران در قبال دریای خزر پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی بود و اغلب ایران زمانی که احساس می‌کند مذاکرات بر سر وضعیت حقوقی این دریا ممکن است باعث کاهش سهم آن شود، به آن‌ها استناد می‌کند.

وضعیت حقوقی خزر به‌دلیل «ویژگی موقعیت جغرافیایی آن و تضاد منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی کشورهای ساحلی» نامشخص باقی مانده است (Dekmejian & Simmonian, 2017: 19-20). از ۱۹۹۱، موقعیت کشورهای ساحلی در رابطه با وضعیت حقوقی خزر متفاوت بوده است. در مذاکرات، ایران برای تقسیم برابر تلاش کرده است و در ابتدا روسیه نیز به او پیوست، بعداً موضع خود را تغییر داد و به‌جای آن تصمیم گرفت که دوجانبه عمل کند و با تنظیم قراردادهایی با قزاقستان (۱۹۹۸) و جمهوری آذربایجان (۲۰۰۱)، بستر دریا و منابع آن را به بخش‌های ملی تقسیم کرد، در حالی که آب‌های سطح دریا همچنان زیر نظارت مشترک باقی می‌ماند. این تقسیم‌بندی‌های بخش ملی بر اساس عواملی مانند طول خط ساحلی هر کشور صورت می‌گیرد و اگر چنین مؤلفه‌هایی در بقیه مناطق خزر اعمال شوند، سهم ایران از ۲۰ درصدی که در ابتدا انتظار داشت به ۱۳ درصد کاهش می‌یابد. ذخایر نفتی ایران در منطقه تا حد زیادی اکتشاف‌نشده و توسعه‌نیافته هستند. با این حال، گریفیت استدلال می‌کند از آنجا که ایران برای حل مشکل مرزی دریای کاسپین به‌علت وجود منابع نفت و گاز در خلیج فارس زیر فشار اقتصادی قرار ندارد، عجله‌ای برای حل این مسئله نمی‌کند (Griffiths, 2019: 161).

میان کشورهای ساحلی نیز مسائل مناقشه‌آمیزی وجود داشته است، ایران ادعاهای جمهوری آذربایجان را در مورد میدان‌های نفتی احتمالی در جنوب خزر نادرست می‌داند. ایران همچنین به جمهوری آذربایجان بدبین است که به شرکت‌های آمریکایی اجازه ورود به منطقه‌ای را می‌دهد که هنوز تکلیف آن کاملاً مشخص نشده است. با توجه به توافقات روسیه، جمهوری آذربایجان و قزاقستان می‌توان ادعا کرد که ایران خود را منزوی می‌بیند، مشاجره بر سر موضوعات کلیدی مانند وضعیت حقوقی و متعاقب آن تقسیم منابع می‌تواند به چشم‌انداز هر نوع ابتکار منطقه‌ای خزر آسیب برساند (Dunaeva, 2018: 443). طی سال‌ها، ایران مشتاق اجرای کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال- جنوب از طریق دریای خزر به‌عنوان وسیله‌ای برای اتصال بندرهای هند به روسیه بوده است. این امر مستلزم بهبود ارتباطات و زیرساخت‌های حمل‌ونقل است و اگرچه از اواخر دهه ۱۹۹۰ تلاش‌هایی برای آغاز برنامه‌های مشخص صورت گرفته، پیشرفت کند بوده است (Ramakrushna, 2019: 485).

۶. تأثیر طرح‌های کشورهای درگیر در این منطقه بر منافع ایران

تأثیر برنامه‌های اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی بر ایران: جمهوری اسلامی ایران در آبان ۱۳۹۶ به عضویت موقت اتحادیه اوراسیا پذیرفته شد و اسناد مشترکی در خصوص کاهش تعرفه برخی کالاها به امضای ایران و اتحادیه رسید. ایران پس از یک سال عضویت موقت، اکنون به عضویت دائمی این اتحادیه درآمده است. ایران برای باقی‌ماندن در برجام و حضور مؤثر در اتحادیه باید اسناد کارگروه اقدام مالی^۱ را بپذیرد و امضا کند و همچنین برای تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در مورد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به نتایج متفق‌القول برسد تا بتواند در نظام بانکی اتحادیه اوراسیا تجارت کند. اگرچه اتحادیه اوراسیا سازمان بین‌منطقه‌ای میان کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق است اما قادر به پوشش نیاز همه کشورهای عضو نیست و آن‌ها مجبور به برقراری روابط تجاری با کشورهای بیرون اتحادیه هستند (International Crisis Group, 2017). روسیه، بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اوراسیا، روابط تجاری گسترده‌ای با چین، اتحادیه اروپا و حتی ایالات متحده دارد. روسیه و قزاقستان، دو عضو مهم اتحادیه، صادرکنندگان اصلی انرژی هستند و بیشتر واردات آن‌ها از کشورهای صادرکننده انرژی هدف آن‌ها انجام می‌شود (Zemskova, 2018: 7). ارمنستان و قرقیزستان دو عضو ضعیف اتحادیه هستند که به دلیل وابستگی شدید به روسیه، سهم کمی

^۱. FATF

در تجارت اتحادیه دارند. بلاروس، یکی دیگر از اعضای این اتحادیه، روابط اقتصادی چشمگیری با ایران ندارد. در نهایت، همه کشورهای عضو، واردکننده فناوری و هوش مصنوعی هستند که بخشی از آن ناشی از روابط آن‌ها با چین است. بر اساس توافق روسیه و چین، روسیه در ازای صادرات ۴۰۰ میلیون دلاری گاز به چین، از آنجا کالا وارد می‌کند. روسیه روابط گسترده با چین و مشارکت در طرح کمربند-راه را مشروط به همکاری چین با اتحادیه اوراسیا کرده، چین نیز موافقت کرده است تا حدی همکاری کند (ICG: 2017)؛ زیرا یکی از شش دالان حمل‌ونقل طرح کمربند-جاده چین به نام «پل اوراسیا» که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن نیز است از چین شروع می‌شود و پس از عبور از روسیه، بلاروس، لهستان به آلمان (بیشتر از طریق راه‌آهن) می‌رسد و این به‌نوعی چین را مجبور به همکاری با روسیه می‌کند.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا شاید بتواند بخشی از نیازهای ایران را در تجارت منطقه‌ای پوشش دهد و به افزایش سهم ایران از تجارت خارجی با آسیای مرکزی و بلاروس کمک کند (Embassy of the Islamic Republic of Iran in Minsk, 2017)؛ اما نباید از این نکته غافل شد که ایران برای واردات فناوری و تجهیزات پیشرفته به بخش‌هایی از اقتصاد خود که در دسترس چین و روسیه و به‌طور کلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیست، به روابط با غرب نیاز دارد. به‌عبارت دیگر، روابط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌معنای راه‌حل نهایی برای ایران نیست. بنابراین مزیت رقابتی ایران در منطقه در برابر قدرت‌های بزرگ، قابلیت کاهش قیمت انرژی و افزایش کیفیت کالاها است. ایران در آسیای مرکزی و منطقه خزر با تولیدکنندگان نفت، گاز و انرژی خام همسایه است که بازارهایشان وضعیت خوبی ندارد و تجارت محدود است. روسیه تعاملات قوی با کشورهای منطقه دارد و به چین اجازه حضور اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی را داده است (رئیس‌نژاد، ۱۳۹۹). نفوذ در فضای سیاسی و استراتژیک منطقه در دست روسیه است و ایران را از فرصت‌های لازم برای نفوذ و رقابت در منطقه محروم کرده است. از سوی دیگر، چین با طرح کمربند-راه و روسیه با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توانند ایران را زیرمجموعه این دو قدرت بزرگ در منطقه قرار دهند.

در این خصوص باید گفت که ایران با توجه به وضعیت کنونی خود نمی‌تواند از طرح‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ابتکار کمربند-راه برای بهبود موقعیت خود در منطقه استفاده کند؛ به‌خصوص به‌دلیل نفرت تاریخی مردم ایران از روسیه و بدبینی‌ای که درباره چین دارند (همان). چین و روسیه تنها در صورتی با ایران همکاری خواهند کرد که این کشور بتواند از سیاست خارجی مثبت، برگرفته از سیاست داخلی منسجم، وحدت ملی درخور توجه،

سرمایه اجتماعی قوی و حاکمیت قانون، برخوردار باشد. ایران به منظور حفظ توازن در مقابل روسیه و چین در این منطقه به بازیگر مستقلی مثل آمریکا نیاز دارد تا بهتر بتواند منافع خود را تأمین نماید؛ اما در اوضاع کنونی به دلیل روابط خصمانه دو کشور، این ظرفیت برای ایران در مرزهای شمالی اش مهیا نیست. هر نوع حضور ایران می تواند با سرمایه گذاری در بخش های انرژی، صنعتی، معدنی و ساختمانی در منطقه همراه باشد، جایی که قدرت های بزرگی مانند هند، چین و روسیه از مزیت جغرافیایی کمتری نسبت به ایران برخوردارند.

تأثیر برنامه های انرژی و اقتصادی چین در آسیای مرکزی بر ایران: آسیای مرکزی این ظرفیت را دارد که به پیوندی میان چین و ایران تبدیل شود. منطقه آسیای مرکزی به دلیل گستردگی و ویژگی جغرافیایی برای این ارتباط بسیار مهم است. این منطقه می تواند پل ارتباطی میان اقتصاد چین و ایران برای انتقال خطوط انرژی باشد. خطوط ارتباطی جدید می تواند زمان و قیمت کالاهای ترانزیتی میان چین، آسیای مرکزی و ایران را به نصف کاهش دهد (Vatanka, 2021). گسترش این راه های ارتباطی و همچنین ایجاد امکانات در خلیج فارس می تواند فرصت های جدیدی برای صادرات انرژی، تجارت و بازارهای جدید در جنوب فراهم کند. این اهمیت در کنار سیاست های متوازن و چندجانبه کشورهای مانند قزاقستان، فرصت بسیار خوبی برای گسترش روابط ایران و چین فراهم می کند. امنیت، منابع انرژی و حمل و نقل سه مؤلفه ای هستند که کشورهای آسیای مرکزی می توانند زمینه را برای همکاری ایران با چین در آن منطقه فراهم کنند.

مهم ترین حوزه برای هم گرایی امنیتی آسیای مرکزی با چین و ایران، سازمان همکاری شانگهای است. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می تواند تا حدودی ایران را از انزوا خارج کند و در سایه این عضویت ایران می تواند به عنوان پلی میان خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز به نحو بهتری عمل کند. این موضوع باعث افزایش نفوذ، قابلیت و اعتبار سازمان همکاری شانگهای می شود؛ در نتیجه حضور چین و ارائه طرح های اقتصادی و انرژی در قالب شانگهای می تواند برای ایران مثبت و مفید باشد.

موقعیت ایران میان آسیای مرکزی و خاورمیانه به عنوان دو مرکز تأمین انرژی در جهان برای چین از اهمیت بالایی برخوردار است. چین به دنبال مسیرهای کوتاه و اقتصادی برای تجارت با جهان است و ایران این مزیت را برای چین فراهم می کند. نزدیکی ایران به خلیج فارس و دریای عمان مهم ترین عامل محرک برای روابط نزدیک چین با ایران در

سال‌های آتی به‌ویژه در قالب طرح کمربند- راه است. چین به‌منظور تأمین امنیت منابع انرژی به‌دنبال کوتاه‌کردن انتقال منابع انرژی از طریق روابط با ایران و قزاقستان است. یکی از این اقدامات، سرمایه‌گذاری چین در خطوط لوله نفت و گاز از دریای خزر به چین و تلاش این کشور برای اتصال خطوط لوله قزاقستان به شبکه انرژی ایران است (Fazilov & Chen: 38). در استراتژی انرژی چین، ایران می‌تواند نقش کلیدی در حفظ ثبات انرژی با قیمت مناسب و تضمین جریان انرژی به بندرها خود ایفا کند (Chen, 2017: 39)؛ بنا بر این منظر، ایران می‌تواند از برنامه‌های اقتصادی چین در آسیای مرکزی بهره‌بردار.

در زمینه حمل‌ونقل نیز از آنجا که منافع آن برای ایران در آسیای مرکزی متأثر از تجارت اقتصادی و موقعیت جغرافیایی منطقه است، ایران به‌دنبال ارتباط مستقیم با کشورهای آسیای مرکزی است و تمایل بیشتری دارد تا بندرهای خود را به نقطه ترانزیت انرژی و کالا از کشورهای آسیای مرکزی تبدیل کند. در حال حاضر، راه‌آهن مشترک قزاقستان- ترکمنستان- ایران می‌تواند سالانه میلیون‌ها تن کالا جابه‌جا کند و راهی برای ارتباط ایران با چین است. کریدور حمل‌ونقل ازبکستان- ترکمنستان- ایران- عمان که قرار است تا ۲۰۲۵ تکمیل شود، دارای دو شعبه، اول از طریق جمهوری آذربایجان و دوم از طریق مرزهای قزاقستان است که منافع ایران در آسیای مرکزی را تأمین می‌کند (Ordabayev, 2017: 42).

نقش چین در بخش حمل‌ونقل در آسیای مرکزی برجسته است. اقتصاد ایران محدودیت‌هایی دارد و به‌همین دلیل قادر به سرمایه‌گذاری کلان در طرح‌های توسعه این جمهوری‌ها یا مشارکت در پروژه‌های مشترک با سایر کشورها برای توسعه منطقه نیست. از سوی دیگر، مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی ایران که روابط ایران با همسایگان و سایر کشورهای جهان را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده، رابطه ضدژئومونیک آن با نظام بین‌الملل و ایالات متحده آمریکا است.

گسترش روابط ایران با آسیای مرکزی به‌ویژه با قزاقستان در سال‌های آینده مستلزم مشارکت ایران در پروژه‌های حمل‌ونقل آسیای مرکزی از جمله ابتکارات چین است. طرح کمربند- جاده چین مهم‌ترین پروژه اقتصادی برای کشورهای آسیای مرکزی است. این پروژه شش راهرو دارد. از میان این کریدورها، دو کریدور چین- آسیای مرکزی- آسیای غربی و کریدور اقتصادی چین- پاکستان تأثیر زیادی بر امنیت ملی ایران دارند؛ به‌همین دلیل نقش ایران در این پروژه بزرگ برای امنیت ملی و توسعه همه‌جانبه حیاتی خواهد بود (رئیس‌نژاد،

۱۳۹۹). بازگشت بایدن به برجام و لغو احتمالی تحریم‌های اقتصادی، فرصت بسیار خوبی برای ایران در جهت گسترش روابط خود با آسیای مرکزی به‌ویژه با قزاقستان و ازبکستان است. توسعه پروژه جدید جاده ابریشم توسط چین نه‌تنها برای ایران، بلکه برای کشورهای آسیای مرکزی مهم است؛ زیرا انگیزه بیشتری برای این کشورها فراهم می‌کند تا مسیرهای تجاری و صادراتی انرژی خود را متنوع کنند (Tehran Times, 2021). ایران نه‌تنها مجرای مفیدی برای آن‌هاست، بلکه برای بخشی از راهبرد گسترده‌تر چین نیز که ایران و آسیای مرکزی را در بر می‌گیرد، مهم است؛ بنابراین، سناریویی بالقوه برد-برد برای همه از نظر هزینه‌های ترانزیت و تنوع بیشتر مسیرهای صادراتی و شرکا است. طبیعتاً پایان رژیم تحریم‌ها نیز تأثیر مثبتی در آزادسازی مسیر تجاری ایران بدون تحمیل خطر تحریم‌های اقتصادی تنبیهی ایالات متحده دارد.

با این حال، این احتمال وجود دارد که ادغام مجدد ایران در اقتصاد جهانی تأثیر معکوس بر روابط ایران و چین داشته باشد. اگرچه چین بزرگ‌ترین بازار صادرات ایران و دومین واردکننده بزرگ به ایران بوده است. طبیعتاً ایران از تنوع فرصت‌های تجاری و صادرات انرژی منتفع خواهد شد. علاوه بر این، احتمالاً ایران از چشم‌انداز احیای برجام در دولت بایدن برای امضای قراردادهای مهم با هند در زمینه همکاری‌های حمل‌ونقل و انرژی استفاده می‌کند (Vatanka, 2021)؛ از این رو، ایران می‌تواند از تمایل دیرینه خود برای عمل به‌عنوان مجرای منابع آسیای مرکزی (و در واقع خود) به بازار جهانی استفاده کند. همچنین این احتمال وجود دارد که مسیر ایران، رقابت جدیدی با سایر ابتکارات تحت رهبری چین، مانند مسیر کریدور اقتصادی چین-پاکستان ایجاد کند (Roy, 2018).

تأثیر برنامه‌های اقتصادی آمریکا در آسیای مرکزی بر ایران: ایران نه‌تنها در طرح‌های آمریکا حضور ندارد، بلکه پیامدهای آن در آسیای مرکزی می‌تواند منجر به تضعیف ایران شود. یکی از نتایج پروژه جاده ابریشم آمریکا در آسیای مرکزی، خط لوله گاز تاپی است که رقیب اصلی خط لوله صلح ایران به شمار می‌رود. قبل از این رویکرد، ایالات متحده همه کارها را بدون ایران انجام داده است و در این طرح نیز با همین رویکرد حرکت می‌کند (Cakır, 2018: 73).

پروژه جدید جاده ابریشم ایالات متحده بیشتر بر پایه بازارهای انرژی و تجارت منطقه‌ای است. استراتژی جاده ابریشم جدید ایالات متحده در واقع بخشی از استراتژی خروج این کشور از

افغانستان است. اهداف آن عبارت‌اند از: ادغام مجدد افغانستان به مسیرهای تجاری سنتی؛ ایجاد دهلیز شمال به جنوب برای اتصال متحدان و اشنگتن در جنوب آسیا به‌ویژه هند و پاکستان با منابع انرژی و بازارهای آسیای مرکزی؛ کاهش وابستگی جمهوری‌های آسیای مرکزی به چین و روسیه (Rakimov, 2018: 5). تهدیدهای طرح اقتصادی «ابنکار آسیای مرکزی بزرگ» برای ایران، ایجاد ناامنی، کاهش نفوذ سیاسی ایران در منطقه و محروم‌شدن ایران از مزایای اقتصادی ترانزیت انرژی در آسیای مرکزی است (فرهادی، ۱۴۰۰).

۷. گزینه‌های سیاستی ایران

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران تلاش کرد با همسایگان جدید آسیای مرکزی همکاری کند و بر آن‌ها تأثیر بگذارد. در دهه ۱۹۹۰، بازیگران بسیار کمی در منطقه فراتر از روسیه وجود داشتند که ایران بتواند با آن‌ها رقابت کند؛ اما با ورود بسیاری از بازیگران ثروتمند و قدرتمند دیگر به صحنه، ایران فضای کمتری برای ایفای نقش داشت. ایران راه‌هایی برای ماندن در منطقه پیدا کرده؛ اما به‌دلیل تحریم‌های ایالات متحده موقعیت سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده است. از سوی دیگر، قزاقستان و ترکمنستان پیشرفت اقتصادی سریعی داشته‌اند و ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان نیز پیشرفت‌هایی به ثبت رسانده‌اند (Liao, 2021: 491). خط آهن بین ایران و ترکمنستان که در ۱۹۹۵ ساخته شد، اساس پیوند ایران با آسیای مرکزی را ایجاد کرد. تهران سپس تلاش کرد چندین پروژه مشترک انرژی را با ترکمنستان اجرا کند. دو کشور در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ دو خط لوله گاز برای پمپاژ گاز ترکمنستان به استان‌های شمالی ایران احداث کردند (فرهادی، ۱۴۰۰).

در حال حاضر مسائل زیر فعالیت سیاسی و اقتصادی ایران را در آسیای مرکزی محدود می‌کنند: دولت‌های منطقه‌ای عمدتاً سکولار هستند و بنیادگرایی مذهبی را خطر می‌پندارند. آن‌ها جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌دانند؛ زیرا حکومتی دینی است (همان)؛ ایران همچنان زیر تحریم‌های شدید آمریکا قرار دارد که به او امکان سرمایه‌گذاری در منطقه را مانند اتحادیه اروپا، ایالات متحده، روسیه و چین نمی‌دهد. بنا به گفته فرهادی، «کشورهای آسیای مرکزی در روابط خود با ایران بسیار محتاط هستند؛ زیرا نمی‌خواهند تحت فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی آن‌ها فراتر از خواسته‌های ایالات متحده عمل کنند.» (همان).

با کمک قدرت نرم، ایران در تاجیکستان که زبان و فرهنگ مشترکی با آن دارد، موفقیت محدودی پیدا کرده است (امیراحمدیان، ۱۴۰۰). ایران اکنون با پیوستن به چندین

پروژه مشترک، مانند کریدور شمال- جنوب سعی در بهبود سازوکارهای همکاری دارد. مسیر شرق این کریدور، راه آهن های روسیه، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان را به هم متصل می کند و کاملاً عملیاتی است و موفقیت آمیز تلقی می شود (همان). سازمان همکاری اقتصادی اوراسیا نیز به عنوان بستری برای حفظ تماس در سطح چندجانبه نیاز به تأکید دارد؛ زیرا تنها سازمان منطقه ای است که ایران و تمامی کشورهای آسیای مرکزی در آن عضویت دارند. ایران، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان یادداشت تفاهم جداگانه ای با چین امضا کردند تا کمربند راه را نیز ترویج کنند؛ بنابراین همکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی با کمربند اقتصادی جاده ابریشم و کریدور اقتصادی چین- آسیای مرکزی- آسیای غربی را تشویق کردند. گفتنی است چین نیز نقش ایران و کشورهای آسیای مرکزی را در این کریدور برای تسهیل دسترسی به منطقه خلیج فارس در اولویت قرار داده است. توافق موقت منتهی به تشکیل منطقه تجارت آزاد میان اوراسیا و ایران در ۲۰۱۸ می تواند بستر دیگری برای بهبود روابط تجاری ایران، با کشورهای نظیر قزاقستان و قرقیزستان باشد (فرهادی، ۱۴۰۰).

با وجود همه این گشایش ها، ایران در حال حاضر نمی تواند با دیگر قدرت های بزرگ در آسیای مرکزی رقابت کند. بهترین استراتژی آن همکاری با روسیه و چین و اطمینان از نادیده نگرفتن خود در منطقه خواهد بود.

جدول ۱. تجارت ایران و آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۹ (میلیون دلار)

۳۸۰	قزاقستان
۳۲/۹	قرقیزستان
۴۶/۳	تاجیکستان
۴۰۹	ترکمنستان
۴۱۲	ازبکستان

www.nbt.tj/en; and UN Comtrade Database, www.comtrade.un.org

به رغم حضور ضعیف ایران در آسیای مرکزی، اگر تهران با احتیاط مسیر خود را طی کند و روند سیاست گذاری خود را به طور قاطع تغییر دهد، می تواند در منطقه معجزه کند. نکته مهم این است که باید از گزینه های زیر استفاده کند:

روابط سیاسی قوی خود را از طریق تبادل مستمر و مداوم سفرهای سطح بالا در مجامع دوجانبه و چندجانبه ادامه دهد؛ تمایل سیاسی و قدرت اقتصادی خود را برای پذیرش خطرات مالی ناشی از سرمایه‌گذاری در خارج از کشور نشان دهد؛ با هر یک از کشورهای آسیای میانه ارتباط فیزیکی برقرار کند؛ تعامل چندجانبه با کشورهای آسیای میانه را با استفاده از مجامع چندجانبه موجود مانند شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا افزایش دهد؛ باید از دیپلماسی اقتصادی چین الگوبرداری کند تا از طریق پیشبرد منافع اقتصادی بتواند سایر اهداف سیاسی و امنیتی خود را در منطقه پیش ببرد.

تمرکز باید بر ارتقای کیفیت کالاهای غیرمشابه با این کشورها برای صادرات کالاهای ایرانی به آسیای میانه باشد؛ تمرکز باید بیشتر بر تجارت خدمات باشد تا تجارت کالاها؛ یکی از دلایل عمده تحقق نیافتن روابط تجاری، فقدان سرمایه‌گذاری خصوصی است؛ بنابراین، دولت ایران باید برای مقابله با خطرات موجود در سیستم معاملاتی پیش‌قدم شود و به‌منظور تضمین مشارکت کارآفرینان خصوصی در تقویت روابط تجاری و اقتصادی برنامه‌ریزی کند تا در مراحل بعد بتواند به بخش‌هایی مانند انرژی و امنیت وارد شود؛ شرکت‌های دولتی باید جلو بیایند تا جایی که سرمایه‌گذاری در همکاری‌های استراتژیک و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش‌های انرژی و نیرو، معادن و اکتشافات نفت و غیره انجام می‌شود.

نکته مهم این است که ایران باید از «رویکرد یکپارچه برای همه» خارج شود و به‌جای تدوین سیاست تجاری کلی برای یک منطقه، استراتژی‌های تجاری خاص هر کشور را تدوین کند و داشته باشد؛ نقشه‌برداری بازار، تجزیه و تحلیل، ایجاد بانک اطلاعات برای محصولات خام، کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای برای صادرکنندگان ایرانی بسیار مهم هستند؛ بنابراین، شبکه اطلاعات به‌روز و حیاتی باید برای روابط تجاری بهتر با کشورهای آسیای میانه ایجاد شود؛ موانع زبانی باید با تشویق برنامه‌های تبادل دانشجو و استاد توسط دولت برچیده شوند؛ ایران باید روی مسیر لجستیکی مانند کمربند-راه چین کار کند و اتصال زمینی هند به این منطقه را از طریق کریدور بین‌المللی شمال-جنوب^۱ فعال کند. از آنجا که هند در تحقق پروژه‌های خط لوله تاپی و خط لوله ایران-پاکستان-هند به دلیل عبور از پاکستان با موانع روبه‌رو است، کریدور شمال-جنوب فرصت‌های زیادی برای کنارگذاشتن اسلام‌آباد از طریق بندرعباس و چابهار تا بمبئی از طریق آب‌های ایران در جنوب ارائه می‌دهد؛ زیرا این مسیر، از نظر هزینه و فایده نسبت به سایر مسیرهای موجود ارزان‌تر و مهم‌تر از همه امن و عاری از هرگونه خصومت است.

^۱. INSTC

از دیگر گزینه‌های سیاستی برای ایران می‌توان این موارد را نام برد: اجرای پروژه‌های مشترک اقتصادی (در چهارچوب صادرات خدمات مهندسی)؛ سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زیرساخت‌ها، شرکت‌های تولیدی و گره‌زدن اقتصادها به یکدیگر؛ ایجاد کریدورهای ترانزیتی به‌ویژه ریلی، جاده‌ای و حتی هوایی با ارائه تخفیف‌های درخور توجه و دامپینگ که آن‌ها را وابسته به ایران سازد؛ جلب و شرکت در سرمایه‌گذاری خطوط انتقال نیرو، چه از جنوب به شمال و چه از شمال به جنوب (خط لوله احتمالی انتقال گاز ایران به چین از قلمرو آسیای مرکزی به چین). همه این گزینه‌ها موجب گره‌خوردن اقتصادها به یکدیگر و پیشبرد سیاست ایران در منطقه خواهند شد. بدون احساس نیاز کشورهای منطقه به ایران نمی‌توان امنیت منطقه‌ای را تعریف کرد. به نظر می‌رسد گره‌زدن اقتصادها به یکدیگر موجب کوشش هر دو طرف در بقای روابط و تبدیل آن در طول زمان به روابط استراتژیک خواهد شد (امیراحمدیان، ۱۴۰۰). همچنین ایران می‌تواند جهت بهره‌مندی از فرصت‌های طرح‌های اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی، راهبرد دیپلماسی اقتصادی را در قالب برنامه‌های توجه و تقویت زیرساخت‌های داخلی، ایفای نقش فعال در بازار انرژی و ترانزیت کالا، سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی در کشورهای منطقه و نیز همکاری با طرح‌های اقتصادی قدرت‌ها در منطقه را در پیش بگیرد. ایران می‌بایستی با درپیش گرفتن سازوکارهای مناسب به‌گونه‌ای که حداکثر منافع را برای کشور به دنبال داشته باشد موانع تحریمی جهت فعالیت‌های اقتصادی خود و نیز انزوای ژئوپلیتیک را از میان بردارد (فرهادی، ۱۴۰۰).

نتیجه

صادرات انرژی آسیای مرکزی (نفت و گاز) باید از طریق خط لوله انجام شود و این بدون شک ساختار ژئوپلیتیک منطقه و همچنین فراتر از آن را تغییر خواهد داد. پرسش این نیست که چگونه منابع انرژی منتقل می‌شوند، اینکه چه کشوری منابع انرژی آسیای مرکزی را دریافت کند دلیل بازی بزرگ نوین در آسیای مرکزی است که نزدیک به دو دهه ادامه دارد. از چهار قطب، چین و روسیه بیشترین ارتباطات را با یکدیگر دارند و انواع سیاست‌های منطقه‌ای را به یک دلیل مهم پوشش می‌دهند: آن‌ها خواهان چشم‌انداز چندقطبی بودن در امور جهان هستند؛ بنابراین نفت و گاز به‌عنوان سنگ بنای ابتکارات مشترک آن‌ها مطرح است، حتی اگر اهداف متفاوت یا حتی رقابتی در منطقه داشته باشند. در مقابل، اتحادیه اروپا که علاقه بیشتری به امنیت انرژی نسبت به نحوه تأمین آن نشان می‌دهد، قصد دارد ایران را از طریق

خطوط لوله خزر که روسیه را دور می‌زند، به‌عنوان تأمین‌کننده احتمالی گاز در نظر بگیرد، موضعی که واشنگتن به آن اعتراض دارد و روسیه نیز واکنش منفی نشان خواهد داد.

ایالات متحده برای تداوم هژمونی خود به‌شدت انگیزه دارد تا فرمانروایی روسیه در آسیای مرکزی را از بین ببرد، فضای اوراسیا را با توجه به منافع خود بازسازی کند، از نفوذ چین در آنجا جلوگیری کند، به تدریج کنترل خود را روی مواد معدنی آسیای مرکزی و زیرساخت‌های خط لوله محکم کند و در نهایت حذف نفوذ روسیه و مهار صعود چین را هدف قرار دهد.

هند اگرچه سیاست‌های زیادی را برای مشارکت خود در آسیای مرکزی در پیش گرفته؛ اما فاقد استراتژی مشخص برای دستیابی به نفت و گاز منطقه است.

در نتیجه، پنج کشور آسیای مرکزی در حال تلاش برای ایجاد توازن در مقابل دو قدرت بزرگ آسیایی هستند. قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان پس از استقلال راه‌های متفاوتی را برای تحکیم توسعه ملی خود طی کرده‌اند و از انرژی به‌عنوان منبع استراتژیک برای افزایش توسعه از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی استفاده می‌کنند؛ بنابراین سیاست‌های مختلف انرژی و مقررات سرمایه‌گذاری در قبال کشورهای خارجی اتخاذ کرده‌اند.

بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که فرصت‌های طرح‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی برای ایران، افزایش اهمیت ژئوپلیتیک ایران از یک سو و گسترش روابط ایران با کشورهای درگیر طرح‌های اقتصادی مذکور از سوی دیگر هستند. همچنین، چالش‌های طرح‌های اقتصادی قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی برای ایران از حیث تهدید، داشتن تبعات منفی سیاسی و اقتصادی به‌واسطه اجرای طرح‌های اقتصادی و انرژی آن‌ها باعث افزایش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی شده و مقدمه کاهش نفوذ ایران در منطقه هستند. طرح‌های اقتصادی هند در منطقه برای ایران می‌تواند افزایش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خاصه آمریکا را در آسیای مرکزی در راستای کاهش نفوذ ایران در منطقه به‌دنبال داشته باشد. جنبه مثبت آن این است که ایران با استقبال از طرح‌های اقتصادی هند و آمریکا در منطقه در کنار طرح‌های اقتصادی چین و روسیه می‌تواند ضمن تأمین منافع خود به ایجاد توازن در منطقه نیز دست بزند.

اجرای طرح‌های اقتصادی و انرژی آمریکا در آسیای مرکزی، تهدیدهایی همچون ایجاد ناامنی و کاهش نفوذ سیاسی ایران در منطقه و محروم‌شدن از مزایای اقتصادی ترانزیت انرژی در آسیای مرکزی را به‌دنبال خواهد داشت. طرح‌های روسیه نیز با در دست‌ورکار قراردادن راهبرد امنیتی انرژی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای از آنجا که می‌خواهند

اقدام به تداوم و بازیابی سیاست خارجی خود در آسیای مرکزی و نیز اروپا نمایند از ورود ایران به مبادلات انرژی منطقه ممانعت به عمل می‌آورند؛ چراکه این امر می‌تواند به‌عنوان تهدید، موجبات تنش میان ایران و روسیه را بر سر ترانزیت انرژی در آسیای مرکزی از یک سو و وابستگی ایران به روسیه برای انتقال انرژی گاز خود به اروپا فراهم کند. همچنین اجرای طرح اقتصادی چین، افزایش اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ایران را در حوزه‌های مختلف اقتصادی (انرژی، حمل‌ونقل و تجارت) و تقویت و گسترش همکاری‌های ایران با چین و کشورهای عضو شانگهای به‌دنبال خواهد داشت؛ اما از آنجا که طرح اقتصادی کمربند_راه، طرحی هم‌گرایانه نیست می‌تواند موجب تفوق چین بر ساختار ژئواکونومی ایران شود.

منابع و مآخذ

فارسی

- رئیس‌نژاد، آرش، ۱۳۹۹، «نقشه چین برای جهان آینده»، دنیای اقتصاد، قابل دسترس در: <https://donya-e- eqtesad. com>
- مصاحبه نگارنده با امیراحمدیان، بهرام، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰.
- مصاحبه نگارنده با فرهادی، محمد، ۱۴۰۰/۱۱/۸.
- مصاحبه نگارنده با فرهادی، زینب، ۱۴۰۰/۱۱/۱۴.

لاتین

- Bayramov, Agha, 2019, "Great Game Visions and the Reality of Cooperation Around Post-Soviet Transnational Infrastructure Projects in the Caspian Sea Region", *East European Politics*, Vol. 35, Issue 2, pp. 159-181.
- British Petroleum, 2018, 'BP Statistical Review of World Energy', March, Available at: www. bp.com.
- Cakır, Adem, 2020, 'Contemporary Rivalry in Central Asia: Challenges and Opportunities', *Journal of Eurasian Inquiries*, Vol. 9, Issue 1, pp. 75-94.
- Casier, Tom, 2016, "Great Game or Great Confusion: The Geopolitical Understanding of EU-Russia Energy Relations", *Geopolitics*, Vol. 21, Issue 4, pp.763-778.
- Chandra, Amiya, 2017, *The Trade Game: Engaging with Central Asia*, New Delhi: Pentagon Press.
- Chen, W, 2017, "China's Oil Strategy: 'Going Out' to Iran", *Asian Politics and Policy*, Vol. 2, No. 1, pp.39-54.

- Cornell, S. Frederick Starr, 2018, “Modernization and Regional Cooperation in Central Asia: A New Spring?”, *SILK ROAD PAPER*, Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program.
- Dekmejian, Hrair & Simmonian, Hovann, 2017, *Troubled Waters: The Geopolitics of the Caspian Region*, New York: I. B. Tauris.
- Domnin, S., 2019, ‘Sergei Domnin: Hydro-Energy Problems in Central Asia: A View from Kazakhstan’, *Central Asia Bureau for Analytical Reporting*, available at: <https://cabar.asia/en/sergei-domnin-hydro-energy-problems-in-central-asia-a-view-from-kazakhstan/>, accessed on 12th June 2021.
- Dunaeva, Elena, 2018, “Russo-Iranian Political Relations in the First Decade of the Twenty-First Century”, *Iranian Studies*, Vol. 46, Issue 3, pp.443–469 (457).
- ENI, 2018, *World Oil Review*, Vol. 1. Rome, Italy: Eni. Available at: https://www.eni.com/docs/en_IT/enicom/company/fuel-cafe/WORLD-OIL-REVIEW-2018-Volume-1.Pdf.
- Emilbek, Dzhuraev & Muratalieva, Nargiza, 2020, “The EU Strategy on Central Asia”, Friedrich-ebert-stiftung, <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/bischkek/16168.pdf>.
- Embassy of the Islamic Republic of Iran in Minsk*, 2017, “Iran-Belarus Joint Relations”, Available at: <http://minsk.mfa.ir/index.aspx9>.
- European Commission*, 2019, “The European Union and Central Asia: New Opportunities for a Stronger Partnership”, https://ec.europa.eu/international-partnerships/news/european-union-and-central-asia-new-opportunities-stronger-partnership_en.
- Fazilov, F. & X. Chen, 2018, “China and Central Asia: a Significant New Energy Nexus”, *The European Financial Review*, Vol. 4, No. 2, pp.38-43.
- Glinkina S. P. & Others, 2019, *The Chinese Strategy for the Development of the Post-Soviet Space and the Fate of the Eurasian Union*.
- Griffiths, David, 2019, “What’s in a Name? The Legal Regime in the Caspian Sea (or Lake),” in *Ocean Yearbook 23*, ed. Aldo Chircop, ScottCoffen-Smout, Moira McConnell, Leiden, Netherlands: Brill, pp.161–192.
- Hierman, Brent, 2019, *Russia and Eurasia 2018-2019*, Rowman & Littlefield Amazon.com, Barnes&Noble.com.
- Herzig, Edmund, 2017, “Regionalism, Iran and Central Asia”, *International Affairs* (Royal Institute of International Affairs, Vol. 80, No. 3).
- International Crisis Group*, 2017, “Central Asia’s Silk Road Rivalries”, Available at: <https://www.crisisgroup.org/europe-central-asia/centralasia/245-central-asias-silk-road-rivalries>.
- International Trade Administration, *US Department of Commerce*, 2021, “Uzbekistan - Country Commercial Guide”, <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/uzbekistan-oil-and-gas>.
- International Trade Administration, *US Department of Commerce*, 2022, “Kazakhstan - Country Commercial Guide”, <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/kazakhstan-oil-gas-equipment-and-services>.
- International Energy Agency (IEA)*, 2021, “Net Zero by 2050: A Roadmap for the Global Energy Sector”, <https://iea.blob.core.windows.net/assets/4719e321-6d3d-41a2-bd6b-461ad2f850a8/NetZeroby2050-ARoadmapfortheGlobalEnergySector.pdf>.
- Ishikawa, Yohei & Nikkei Writer, 2021, “The New Great Game: Central Asia Struggles to Balance three Powers”, *Asia. Nikkei*, available at: <https://asia.nikkei>.

com/Spotlight/The-Big-Story/The-new-Great-Game-Central-Asia-struggles-to-balance-three-powers.

Soutullo, Jorge et. al., 2021, *European Parliament*, Fact Sheets on the European Union: Central Asia, available at: <https://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/178/central-asia>.

Kaplan, D. R., 2018, The Geopolitics of Energy, *Forbes*, Retrieved July 11, 2022, from <http://www.forbes.com/sites/stratfor/2018/04/04/the-geopolitics-of-energy/>

Klare, M. T., 2018, *The Race for What's Left: The Global Scramble for the World's Last Resources*, Picador.

Knoema, 2021, "Turkmenistan - Crude Oil including Lease Condensate Reserves", *World Data Atlas*, <https://knoema.com/atlas/Turkmenistan/topics/Energy/Oil/Crude-oil-reserves>.

Kohli, Harinder, 2018, "Looking at China's Belt and Road Initiative from the Central Asian Perspective", *Global Journal of Emerging Market Economies*, 9(1-3) 3-11. DOI: 10.1177/0974910117747760.

Krapohl, Sebastian & Alexandra Dienes, 2020, "The Region That Isn't: China, Russia and the Failure of Regional Integration in Central Asia", *Asia Europe Journal*, <https://doi.org/10.1007/s10308-019-00548>.

Kumar, Mahesh, 2020, "Social, Economic and Environmental Impacts of Renewable Energy Resources", *Social Science and Humanitarian*, DOI: 10.5772/intechopen.89494.

Kumar, Amit, 2020, "Iran and Turkmenistan: An Overview", *Ars Artium: An International Peer Reviewed-cum-Refereed Research Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol. 3, January 2020, pp. 128-131.

Laruelle, M., 2018, 'China's Belt and Road Initiative and its Impact in Central Asia', *Voices on Central Asia*, available at: <http://voicesoncentralasia.org/chinas-belt-and-roadinitiative-and-itsimpact-in-central-asia/>, accessed 30 August 2018.

Liao, Janet, 2021, "China's Energy Diplomacy towards Central Asia and the Implications on its Belt and Road Initiative", *Journal of the Pacific Review*, Vol. 34, Issue 3, pp.490-522.

Masters, G., 2018, *Energy for Sustainability: Technology, Planning, Policy*, London: Island Press/Bloomsbury Publishing.

Niti Central, 2015, PM Modi's Central Asia Visit: Key Takeaways. Available at: <http://www.niticentral.com/2015/07/14/pm-modis-central-asiavisit-key-takeaways-323561.html>.

Ordabayev, A., 2017, "The Geopolitics of Transport Corridors in Central Asia", *The Institute of World Economics and Politics (IWEP)*, Working Paper No. 24, pp.1-44.

Oyuna Baldakova et.al., 2021, "Central Asia Forecasting 2021: Results from an Expert Survey", Friedrich Ebert Foundation, *OSCE Academy in Bishkek*, SPCE Hub, available at: <http://library.fes.de/pdf-files/id/18501.pdf>.

Pascual, C., 2018, *The Geopolitics of Energy: From Security to Survival* (p. 3), Brooking Institutions.

Pizzolo, Paolo & Andrea Carteny, 2022, "The New Great Game" in Central Asia: From a Sino-Russian Axis of Convenience to Chinese Primacy? *The International Spectator*, DOI: 10.1080/03932729.2021.2007611

Ramakrushna, Pradhan, 2019, 'Petro-Politics and Pipeline Diplomacy in Central Asia: Can India Afford to Wait in the Wings?', *India Quarterly*, Vol. 75, No. 4, pp.472-489.

- Patnaik, Ajay, 2016, *Central Asia: Geopolitics, Security and Stability*, New Delhi: Routledge.
- Rakhimov, Mirzokhid, 2018, "Complex Regionalism in Central Asia: Local, Regional and Global Factors," *Journal of Eurasian Studies*, Cambridge, <https://doi.org/10.22261/CJES.J6Y3O>.
- Roy, Meena Singh, 2012, "Iran: India's Gateway to Central Asia", *Strategic Analysis*, 36:6, 957-975, DOI: 10.1080/09700161.2012.728862.
- Roy Chaudhury, D., 2018, "India-Kazakhstan-Iran-Turkmenistan Quadrilateral Plans Connectivity Corridor to Eurasia", *The Economic Times*, November 1. Retrieved from <https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/india-kazakhstan-iran-turkmenistanquadrilateral-plans-connectivity-corridor-to-eurasia/articleshow/66455045.cms>.
- Sahakyan, M., 2020, "Rebuilding Interconnections: Russia, India and the International North-South Transport Corridor," *AsiaGlobal Online*. https://www.researchgate.net/publication/344900733_Rebuilding_Interconnections_Russia_India_and_the_International_North-South_Transport_Corridor.
- Sikri, R., 2018, "The Geopolitics of Energy Security and Implications for South and Southeast Asia", *ISAS Working Paper*, National University of Singapore, No. 37, p. 2.
- Silvan, C., 2021, "Russian Policy towards Central Asia 30 years after the Collapse of the Soviet Union Sphere of Influence Shrinking?", *The Finnish Institute of International Affair*, available at: https://www.fiia.fi/wp-content/uploads/2021/11/bp322_kristiina-silvan_russian-policy-towards-central-asia-30-years-aft-he-collapse-of-the-soviet-union.pdf.
- Simonov, Eugene, 2021, "Half China's Investment in Kazakhstan is in Oil and Gas", *China Dialogue*, <https://chinadialogue.net/en/energy/11613-halfchina-s-investment-in-kazakhstan-is-in-oil-and-gas-2/>.
- Subramanian, Krithika, 2019, "The Political Economy of Water: Will Asia See a Water War in the Future?", *World Affairs: The Journal of International Issues* 23(2):116-125. doi:10.2307/48531104.
- Trenin, D., 2017, *Russia's Evolving Grand Eurasia Strategy: Will It Work?*, Moscow: Carnegie Moscow Center, <https://carnegiemoscow.org/2017/07/20/russia-s-evolving-grand-eurasia-strategy-will-it-work-pub-71588>.
- The Asanforum*, 2019, "Russia-China Relations in Central Asia: Why Is There a Surprising Absence of Rivalry?", <http://www.theasanforum.org/russia-china-relations-in-central-asia-why-isthere-a-surprising-absence-of-rivalry/pdf>.
- Tehran Times*, 2021, 'Iran-China Strategic Partnership: A Roadmap for Mutual Prosperity', *Tehran Times*, Available at <https://www.tehrantimes.com/news/459437/Iran-China-strategic-partnership-a-roadmap-for-mutual-prosperity>.
- The International Trade Administration, *U. S. Department of Commerce*, 2021, "Uzbekistan - Country Commercial Guide", available at: <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/uzbekistan-oil-and-gas>.
- The International Trade Administration, *U. S. Department of Commerce*, 2021, "Turkmenistan - Country Commercial Guide", available at: <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/turkmenistan-oil-gas> <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/uzbekistan-oil-and-gas>.
- The International Trade Administration, *U. S. Department of Commerce*, 2021, "Kazakhstan- Country Commercial Guide", available at: <https://www.trade.gov/country-commercial-guides/kazakhstan-market-entry-strategy>.

- Vakulchuk, R. & Others, 2020, Renewable Energy and Geopolitics: A Review. *Renewable and Sustainable Energy Review*, <https://doi.org/10.1016/j.rser.2019.109547>.
- Vatanka, 2021, "Iran and the Black Sea Region: Tehran's Forgotten Bridge to Europe", *MiddleEastInst*, 1763 N St. NW, Washington D.C. 20036.
- Vinokurov, E., 2018, *Introduction to the Eurasian Economic Union*, Palgrave, Basingstoke, <https://vinokurov.info/introduction-to-the-urasian-economic-union/>.
- Von Hauff, L., 2018, Towards a New Quality of Cooperation? The EU, China, and Central Asian Security in a Multipolar Age, *Asia Europe Journal* (online first).
- World Bank, 2017, "The Economy is Rising: It is Still All About Oil", Kazakhstan, Country Economic Update.
- World Nuclear Association, 2021, "World Uranium Mining Production", available at: <http://www.world-nuclear.org/information-library/nuclear-fuel-cycle/mining-of-uranium/world-uranium-mining-production.aspx>, Access on 15 jan, 2021.
- World Data Atlas, 2021, "Turkmenistan- Proved Reserves of Natural Gas", <https://knoema.com/atlas/Turkmenistan/topics/Energy/Gas/Reserves-of-natural-gas>.